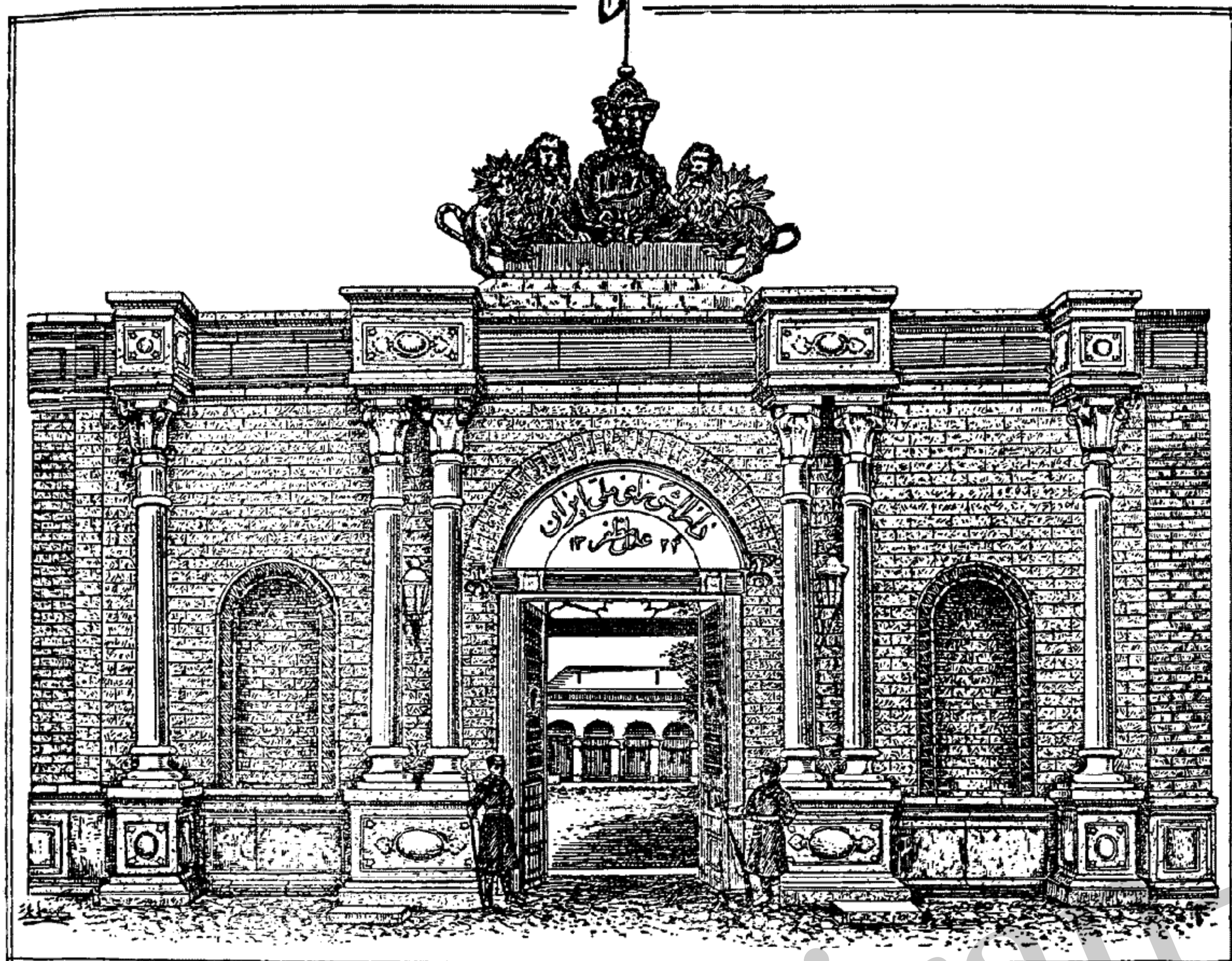


دوره ششم تفنینه

<p>جلسه ۱۸۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۱۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخلة ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقای کی استوان و رد مرخصی آقای میرزا محمدعلی امام جمعه شیراز	۳۰۸۴	۳۰۸۶
۲	بقیه شور نسبت بنجر کبسیون بودجه راجع به بعضی مخارج از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵	۳۰۸۶	۳۱۱۳

# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رجب المرجب ۱۳۴۶

### جلسه ۱۸۹

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای  
تقی زاده نایب رئیس تشکیل گردید  
(صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۲ دیماه را آقای  
نگهبان قرائت نمودند)

غائبین و دیر آمدگان جلسه ۹ دیماه  
غائبین با اجازه  
آقایان: اعتبار - محقق شیرازی - شیروانی - آیه الله  
زاده خراسانی - دشتی - فومنی - مقدم - بهبهانی - بهار

فرشی - میرزا ابراهیم آشتیانی

غائبین بی اجازه

آقایان: حاج علی اکبر امین - محمدولی خان اسدی  
مرضی قلیخان بیات - ذوالقدر - امام جمعه شیراز  
اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - قوام شیرازی  
حاج حسن آقا ملک - بنی سلیمان - جوانشیر - میرزا  
حسن خان وثوق - حاجی غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: جلالی - روحی - شریعتزاده - حشمتی  
نجومی - مهدوی - حاج شیخ بیات - جهانشاهی -  
دیوان بیگی

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: ملک مدنی - باستانی - نوبخت - فرمند  
مدرس - محمد ولی میرزا - زنکنه  
(غائبین و دیر آمدگان جلسه ۱۰ دیماه)

غائبین با اجازه

آقایان: شیروانی، آیه الله زاده خراسانی، دشتی -  
عصر انقلاب - جهانشاهی - فرشی، میرزا ابراهیم آشتیانی  
غائبین بی اجازه

آقایان: حاج علی اکبر امین - محمدولی خان اسدی  
مرضی قلیخان بیات - ذوالقدر - امام جمعه شیراز -  
اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - قوام شیرازی  
حاجی حسن آقا ملک - بنی سلیمان - جوانشیر - میرزا  
حسن خان وثوق - حاجی غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: جلالی - شریعت زاده - حاج شیخ بیات -  
سلطان محمدخان عامری

(غائبین و دیر آمدگان جلسه ۱۲ دیماه)

غائبین با اجازه: آقای شیروانی - جمشیدی مازندرانی  
دشتی - فرشی - میرزا ابراهیم آشتیانی - دکتر لقمان -  
حاج میرزا حبیب الله امین

غائبین بی اجازه: آقایان حاج علی اکبر امین - محمد

ولی خان اسدی - مرضی قلی خان بیات - ذوالقدر -  
امام جمعه شیراز - آیه الله زاده خراسانی - اعظمی - نظام  
مافی - قوام شیرازی - آقا علی زارع - حاجی حسن -  
آقا ملک - بنی سلیمان - جوانشیر - میرزا حسن خان  
وثوق - حاجی غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه: آقایان اعتبار - جلالی - امیر  
حسین خان ایلخان - ملک مدنی - میرزا محمدتقی طباطبائی  
نجومی - حاج شیخ بیات - بهار - جهانشاهی - محمود  
رضا -

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان شریعت زاده - پالیزی -  
محمد ولی میرزا - زنکنه - تقی زاده

نایب رئیس - آقای امیر حسینخان ایلخان

امیر حسینخان - عرض کنم حضورتان بنده شنیدم  
آقای بنی سلیمان را در دو جلسه قبل که قرائت شد  
غایب بی اجازه خواندند و حال اینکه همه آقایان میدانند  
که آقای بنی سلیمان مریض بستری است و اگر چنانچه  
خودش درخواست نکرده است با اجازه نخواسته است  
این را خواست اصلاح کنند و اگر چنانچه اجازه  
خواسته است نمیدانم برای چه غایب بی اجازه نوشته اند  
و حال آنکه همه آقایان اطلاع دارند بهر حال باید  
اصلاح شود

نایب رئیس - مراجعه و اصلاح میشود آقای کلالی  
امیر تیمور کلالی - تصور میکنم در صورت جلسه آقای  
آقا زاده خراسانی را غایب بی اجازه نوشته بودند در  
صورتی که ایشان بتوسط بنده تقاضای اجازه کرده بودند  
و تقاضای ایشانرا هم تقدیم کرده ام . . .

نگهبان منشی - کی آقای؟

کلالی - آقا زاده خراسانی، تقاضا میکنم در صورتیکه  
کمسیون عریض تصویب کرده اصلاح شود

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده را در صورتیکه در جلسه قبل  
حاضر بودم در صورت جلسه دیر آمده بی اجازه نوشته اند

این را استدعا میکنم اصلاح شود

نایب رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد؟  
(گفته شد: خیر)

نایب رئیس - تصویب شد

نایب رئیس - چند فقره خبر راجع بمرخصی است

قرائت میشود

(خبر راجع بمرخصی آقای کی استوان بشرح آن  
قرائت شد)

آقای کی استوان نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج و  
لزوم مسافرت بخارجہ برای معالجه چهار ماه تقاضای  
مرخصی نموده که تاریخ آن از روز حرکت ایشان  
محسوب شود کمسیون عریض و مرخصی چهار ماه مرخصی  
نمایند محترم را تصویب و تاریخ مرخصی ایشان را از  
روز حرکت محسوب مینماید و راجع آنرا تقدیم میدارد  
مخبر کمسیون حاجی میرزا مرضی

نایب رئیس - آقای زوار مخالفید؟ بفرمائید

زوار - يك حكایتی را مقدمه عرض خودم قرار  
میدم و آن اینست که موقعی که کمسیون محترم عریض  
فعلی انتخاب میشد بنده در شعبه ششم بودم و بابتی  
يك نفر هم از آنجا انتخاب شود بنده و مخبر فعلی کمسیون  
عریض هم کاندید بودیم يك ورقه ای از خارج آوردند  
توی شعبه که آن عبارت برجسته و حساسش این بود که  
شمارا بحضرت عباس قسم میدهم زوار را انتخاب نکنید  
دلیلش هم ثابت است؟ برای اینکه وقتی که من آنجا  
بودم کمتر از این خبرها میآمد بمجلس میخواهم با آقای حاج  
میرزا مرضی عرض بکنم که بنده سنک ملت را هم بسینه میزنم  
و برای ملت هم نوحه سرائی میکنم بلکه بحال آنتهایی  
که از دسترنج آنها این تصویبنامه صادر میشود بجای  
اشک آبی خون میزنم و این برای من افتخار است من  
وکیل همان ملت و این سلیقه نازه بنده نیست از بادی  
عمر طرفدار ملت بودم و اینکه فرمودید که بنده حقوق

خودم را تقدیم مجلس بکنم الان عرض میکنم بنده حاضر  
هستم دوست تومان بدم بشرطی که جنابستطاب عالی  
هم آن صد و پنجاه تومان که مجلس رد کرد و خیرش  
را دو مرتبه آورده اند آنرا هم بگذارید روی این بشود  
سیصد و پنجاه تومان و ده نفر فقیر را نگاهداری بکنند . .  
زعیم - آقا صحبت شخصی نکنید

زوار - اجازه بدهید، آقا صحبت شخصی کرده اند  
حالا جواب میشوند، بالاخره بطوری که عرض شد  
من همیشه طرفدار ملت بودم و این مرخصیها را بقدری  
وسيله ناراضائی ملت میدانم که خودم را مکلف و  
مجبور میدانم و همیشه هم این طرفداری را کرده ام  
حتی در زیر پرچم شیروا خورشید هم این کار را کرده ام  
حالا هم با اینکه تصدیق میکنم آقای کی استوان حقیقه  
استحقاق این مرخصی را دارند، ناخوشند، مریض هستند  
ولی علت این مخالفت بنده هم این بود که آقایان بدانند  
که در پیش بنده تبعیض نیست مخصوصاً مخالفت بنده با آقای  
مهدوی آنروز که سمت ریاست مطلقه بنام خراسانیها ودوستی  
بیست ساله بمن دارند بنظرها وحشی می آمد ولی چکار میتوانم  
بکنم این وظیفه وجدان من بوده است حالا هم خواهش  
میکم که آقای کی استوان صرف نظر بکنند با آقای مخبر  
محترم هم عرض میکنم که آقای کی استوان دو تومان هم  
حق دفاع بشما نخواهد داد

حاج میرزا مرضی مخبر - اولاً نماینده محترم توهینی  
بینده فرمودند که جبرانش با مقام ریاست است که این  
توهین را که ایشان کردند این حرفی را که زدند پس  
بگیرند که فرمودند دو تومان حق دفاع بشما نمیدهد .

زوار - توهین نیست حاضر ثابت کنم

مخبر - و من از مقام ریاست تقاضا میکنم که این  
توهینی که ایشان فرمودند جبران میکنند، نانیاً آقای  
زوار باز شروع کردند بدلسوزی برای ملت تصور میکنم  
که ایشان وکالتشان دو آتشه تر یا دلسوزتر برای ملت از  
دیگران نباشد همان وظیفه که ایشان دارند سابر نمایندگان

هم همان وظیفه را دارند سایر نمایندگان هم نمایند؛ همین ملت هستند و همان علاقه که ایشان دارند بلکه زیادتز و شدید تر، اگر ایشان میخواهند تصنعی يك فرمایشی را بکنند سایرین از روی حقیقت و واقع دلسوزند این دلسوزی نیست، جناب عالی دوست نومات مال خودتان را میدهید بدهید بنده مال خودم را اختیارش با خودم است نخواهم میدهم نخواهم محرف شما نخواهم داد ملاحظه فرمودید؟ قیم هم لازم ندارم شما آنچه که وظیفه دارید عمل کنید دلسوزی برای ملت و خون ریختن از چشمتان عوض اشک اینها ربطی بمرخصی بکنفر نماینده ندارد. بکنفر نماینده که مدتیست ناخوش است و همه آقایان مسبقند که مدتیست کسالت مزاج دارد سنگ کلیه دارد چند مدتیست درخانه خوابیده است الان میخواهد برود بارو با برای معالجه همچو نماینده ای میاید مرخصی میخواهد از کمیسیون عرایض کمیسیون عرایض مرخصی او را رد کند و بگوید من این مرخصی را نمیدهم؟! ... بعلاوه وظیفه بنده که خبر هستم اینست که هر چیزی را که کمیسیون عرایض تصویب کند خبر او را بیارم به مجلس شما رأی نمیدهید مختارید چه اعتراضی است بر من هر کدام از آقایان میخواهند رأی بدهند هر کدام نمیخواهند رأی ندهند و در خانه هم استدعا میکنم از مقام ریاست که این توهینی که آقای زوار به بنده کردند باید بفرمایند که جبران بکنند

نایب رئیس - من چیزی شنیدم

حاجی میرزا مرتضی - همه آقایان شنیدند که گفتند دو تومان حق دفاع بتو نمیدهد

زوار - توهین نبود

حاجی میرزا مرتضی - خجالت بکش آقا ازین حرفها

نایب رئیس - رأی گرفته میشود برای مرخصی آقای

کی استوان آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمع کثیری برخاستند)

نایب رئیس - اکثریت است، خبر دیگر،

نظری بین همه آقایان هست ولی در اواخر يك قدری اختلافات پیدا میشود در اول مجلس بنده می بینم اتفاق آراء بحفظ قانون اساسی و حفظ حقوق ملت هست در آخر مجلس عدّه قلیلی را بنده لاقید می بینم و عدّه قلیلی را هم بنده ساکت می بینم بعضیها هم البته ناچارند که اداء وظیفه بکنند آقای وزیر مالیه که حقیقه يك ورزیده سیاسی و يك مرد مجرب پارلمان هستند تصور میکنم از دو موقع خواسته اند استفاده کنند یکی اواخر خدمت دکتر میلسپو یکی هم از اواخر دوره مجلس که بنده این دوتا را تقریباً مثل حاک احتضار سیاسی تلقی میکنم سید یعقوب - بابا، شش ماه دیگر زنده ایم نگویید حال احتضار

دکتر مصدق - در این ماده که امروز مطرح است ومذاکره میشود قریب چهار صد هزار تومان مخارج بنائی است (یا چهار صد هزار تومان یا بیشتر) اگر این مصارف بنائی لازم بود چه شد که در اول سال عنوان نشد و سعی نکردند در اینکه این لایحه را بگذرانند که حالا که آخر دوره مجلس است این مخارج را آورده اند بگذرانند بنائی را باید در تابستان کرد در زمستان وقتش نیست حالا ممکن است که آقای وزیر مالیه بفرمایند که ما در اول سال اضافه عایداتمان معلوم نبوده چون معلوم نبود ما نمیتوانستیم این اضافه مخارج را بیاریم و حالا اضافه عایداتمان معلوم شده این لایحه را آورده ایم ومیخواهیم بگذرانیم بنده عرض میکنم اضافه عایدات معلوم نیست زیرا که اضافه عایدات وقتی معلوم میشود که عایدات پیشینی شده را تمام را در يك ستون بنویسند و عایدات وصولی را هم در ستون دیگر مقابلش بنویسند اگر آقای وزیر مالیه توانستند يك همچو صورتی ارائه بفرمایند که معلوم شود که اضافه عایدات ما چیست البته صحیح است ولی وقتی نتوانستند يك همچو صورتی بدهند که عایدات وصولی چیست و عایدات پیش بینی شده چیست بنا برین تعیین يك همچو

(حاضر نبودند)

بعضی از نمایندگان - رأی، رأی

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مخالفم

نایب رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرض کنم آقای روحی اشاره باین نکته فرمودند که بعضی از نمایندگان شیراز غالباً در مجلس حاضر نمیشدند یا در سفر بودند چون ماها عادت داریم که از تراکت خارج نشویم عرض میکنم که نمایندگان جاهای دیگر هم بوده اند که چند ماه نیامده اند و مرخصی گرفته اند یا مرخصی نگرفته اند...

روحی - آقایان اصلاً نیامده اند

ضیاء - آقای امام جمعه بواسطه استفاده از مرخصی شیراز رفتند موقعی که عازم حرکت بودند دومیته يك صدمه ای بپایشان وارد آمد که مریض شدند و الان در بستر هستند و بواسطه صدمه که بپایشان وارد آمده از حرکت معذورند تصور میکنم اگر بیشتر تحقیق بکنیم و تفقد از حال بکند بگر بکنیم بیشتر مناسب باشد

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی آقای

امام جمعه شیراز آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد چند فقره مرخصیهای

دیگر هست چون دستورمان هم مانده است اگر آقایان اجازه بدهند بعضی از مرخصیها برای جلسه آینده بماند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - لایحه اضافات هزار و سیصد و پنج

مطرح است آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده حتی المقدور برای اینکه بعضی نسبتها بینده داده نشود در آخر دوره بنده کمتر مایلیم که عرایض بکنم واسباب تصدیع خاطر آقایان را فراهم بکنم زیرا که در اوائل مجلس تقریباً يك موافقتهای

(خبر مرخصی آقای امام جمعه شیراز

باینمضمون قرائت شد)

آقای آقا میرزا محمد علی امام جمعه نماینده محترم شیراز بواسطه کسالت مزاج تقاضای بیست روز تمدید مرخصی نموده کمیسیون بیست روز مرخصی نماینده محترم را تصویب و خبر آن را تقدیم میدارد

مخبر حاجی میرزا مرتضی

نایب رئیس - آقای شریعتزاده موافقتند؟

شریعتزاده - بلی بنده موافقم

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم يك قسم مرخصیها هست که حقیقه من عقیده دارم که با آنها مخالفت نمیشود کرد خوب مرخصی آقای کی استوان مریض بوده و سابقاً هم مرخصی نخواستند بودند باید تصویب شود ولی بعضی مرخصیهای دیگر هست که اگر وکلا رأی بدهند من حقیقه ظلمی میدانم که بحقوق ملت شده است، شیراز در همه دوره ها وکلائی داشته است که حاضر نمیشده بلکه غالباً وکیل بوده و در شیراز بوده اند. آن آقای ضیاء الاداء در اول دوره پنجم آمد دو ماه ماند اینجا و رفت آقای آقا سید یعقوب هم یادم می آید که ازش دفاع کردند آن آقا علی زارع همین طور، این یکی دیگر، مثل اینست که شیراز وکیل در مجلس شورایی ملی ندارد...

چند نفر از نمایندگان (با هممه) - چرا، آقا، چرا وکیل دارد

روحی - چهار پنج نفر دلیل نمیشود، بلی بنده چشم آقایان را می بیند خوب هم مسبوقم، بنده عقیده دارم که درین دوره دیگر آقایان رعایا نباید باین جور اشخاص رأی بدهند و اینها را وکیل نکنند و مجلس هم باین مرخصیها رأی ندهد و تصویب نشود.

نایب رئیس - آقای شریعتزاده

اضافه عایداتی بعقبیده من ممکن نیست حالا بنده فرض میکنم که اضافه عایداتی هم اصلاً داشته باشیم البته یکی از اصول امروز (اصول عصر جدید) اینست که اگر يك مخارجی ضرورت پیدا بکنند در صورتی که اضافه عایداتی هم نداشته باشیم باید يك مالیاتهایسی وضع کنیم این محل تردید نیست اما مسئله در این است که يك مخارجی ضرورت داشته باشد اگر ضرورت پیدا کرد نبودن اضافه عایدات مانع از تصویب خرج نیست زیرا که مخارج مقدم است باید تصویب کرد و بعد هم يك اضافه عایداتی تهیه کرد ولی اگر ضرورت نداشته باشد هیچ کس نمیتواند يك مخارجی را تصویب بکنند اعم از اینکه اضافه عایدات باشد یا نباشد ما اگر يك اضافه عایداتی داشته باشیم و يك مخارج غیر ضروری باشد البته صلاح در عدم تصویب مخارج غیر ضروری و صرف آن عایدات است برای يك مسائلی که برای مملکت مفید باشد بنا براین بنده تصور میکنم که اقلام این لایحه را باید درش يك مذاکرانی کرد که به بینیم کدام يك ضروری است و کدام يك ضروری نیست. اولاً برای اعطاء قرضه بکارخانه پارچه بافی اصفهان آنچه که بنده در نظر دارم يك چیزی در مجلس تصویب شد سابقاً، اگر آن که تصویب شده قاطع بوده مجدداً نوشتن این درین جا بنظر بنده لزومی ندارد و اگر آن که تصویب شده قاطع نبوده و امروز ما باید تصویب کنیم تا قطعیت پیدا کند بنده مخالفم بجهت اینکه در همان وقت که آن لایحه مطرح شد در تحت يك احساسات و يك مذاکرانی بنده رأی دادم ولی حالا می بینم که کار خون نکرده ام زیرا که ما برای آن حاجی یکصد هزار تومان تصویب کردیم و اگر این مسئله امتداد پیدا بکند بنده می بینم دو حاجی دیگر هم پیدا شده اند که يك کیسه با عرض و طولی برای همچو پولی درخته اند اگر ما این را تصویب کنیم باید برای دو حاجی دیگر هم تصویب کنیم که بنده

نمیخواهم اسم ببرم چون عجالة موضوع آن مطرح مذاکره نیست ولی عرض میکنم که تصویب این مسئله بهیچوجه صلاح نیست زیرا بهیچ وجه بنده مقتضی نمی بینم يك مالیاتهایسی وضع بکنیم و ازین مردم و از جریان مملکت يك پولهایسی را جمع بکنیم و از دست يك مردمی که میتوانند استفاده های خوبی بکنند بگیریم بعد بدهیم بيك اشخاص دیگری که يك استفاده های دیگری بکنند این بنظر بنده منطقی ندارد. فقره دوم این لایحه برای جبران کسر عایدات سجل احوال است ما درین جا يك قانون گذرانیم در واقع کار سجل احوال را کردی و خوردی کردیم یعنی بروند و این ورقه سجل احوال را بدهند از هر کدام که میتوانند استطاعت دارند بيك قران بگیرند و خرجش را از همین عمر بدهند. حالا اگر واقعاً بموجب این قانون باشد بنده عقیده ام اینست که باید صورت مخارج را بعد از آنکه کسرش معلوم شد آقای وزیر مالیه تهیه میفرمودند و بمجلس میآوردند که عایدات سجل احوال فلان قدر شده خرجش فلان قدر کسرش فلا تقدیر البته کسی نمیتواند منکر بشود که سجل احوال خرج دارد ولی امروز که معلوم شده کسر مخارج دارد یعنی عایداتش کافی برای مخارج نیست باید صورتی بمجلس بیاورند و معین کنند که چقدر عایدات آنها شده است و بجهت مصارف رسیده است و مجلس ببیند اگر این يك مخارج صحیحی بوده است و بموقع خرج شده این کسر را هم تصویب کند شاید عایدات سجل احوال خیلی زیاد بوده و ممکن است مخارجش بيك مصارف صحیحی رسیده باشد بنابراین خوب بود آن صورت را آقای وزیر مالیه تهیه میفرمودند تا ما ببینیم و بفهمیم فهمیده و دانسته بيك مبلغی رأی بدهیم نه اینکه سر بسته بيك مبلغی را که صد هزار تومان باشد برای کسر سجل احوال امروز تصویب کنیم، این فقره دوم، فقره سوم این لایحه پیشنهاد خرید بيك عمارت است برای سفارت افغانستان که گذشته است و حقیقه بهترین پولهایسی که

مانصوب کردیم این پول بود که تصویب شد که بنده حالا زائد میدانم در این باب چیزی عرض کنم فقره چهارم قسمت چراغهای دربائی بحر خزر است که بنده کاملاً موافق هستم و باید این چراغها ساخته شود شاید تأخیر هم شده است فقره ششم برای تهیه مصالح ولوازم کارخانه مدرسه صنعتی است این هم کاملاً لازم است و باید زودتر بشود و بنده مخالف نیستم فقره هفتم برای ساختمان محبسها بطرز جدید و تعمیر محبسهای فعلی در طهران و ایالات و ولایات است بنده درین فقره بطور کلی مخالف نیستم چرا؟ دلیل دارد بجهت اینکه آقا نظمیة ما باید کاری بکنند که روز بروز خودشان بهترین تشکیلات ممالک عالم شبیه بکنند ازین نظمیة شخص بنده هم راضی هستم...

حاج آقا رضارفع - صحیح است

دکتر مصدق - و هم ناراضی هستم...

رفع - آن صحیح است را برای 'راضی هستم' گفتم نه برای ناراضی

دکتر مصدق - بسیار خوب، بنده راضی هستم ازین نظمیة بجهت اینکه حقیقتاً بيك مدت است بعد از اینکه این نظمیة از صاحب منصبان خارجی منتزع شد و بدست صاحب منصبان ایرانی رسید بيك انتظامات درین شهر هست و در محله ما هم بتوجهات اعلی حضرت پهلوئی امنیت است و خوب است...

بعضی از نمایندگان - همه جا هست

دکتر مصدق - بلی همه جا هست و فرضاً محله آقای مدرس امنیت نداشته باشد مربوط به بنده نیست شاید جرایم سانسور باشد و نتوانند چیزی بنویسند اگر محله ایشان امنیت نداشته باشد خودشان میدانند بنده آنچه که می بینم این نظمیة در محلات ما بيك کارهای خوبی کرده است و حقیقتاً جای تشکر است

بعضی از نمایندگان - در همه جا همین طور است

دکتر مصدق - بلی در همه جا بيك کارهای خوبی کرده اند

و اینکه ایرانیها امروز این طور استعداد پیدا کرده اند که ما را از صاحبمنصبان خارجی مستغنی بدارند بنده خیلی تشکر میکنم و خوشوقتم...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

دکتر مصدق - بنده اگر که از هموطنان خودمان تعریف و تمجید میکنم از هموطنان خودمان کرده ام و اگر هم تنقید بکنم چون طرف اجنبی نیست مورد تنقید واقع نمیشوم همیشه افتخار بنده اینست که تمام کارها را ایرانیها متصدی باشند تا اینکه انسان اگر تعریف میکند از هموطنان خودش کرده باشد و اگر هم تنقید میکند نسبت بکارهای هموطنان خودش کرده باشد بنده تعریفات خودم را کردم ولی شکایت خودم را هم، یعنی عدم رضایت خودم را هم، باید عرض کنم. در باب محبسها اساساً عقیده بنده اینست که هیچ کس نمیتواند بگوید که ما محبس یا دارالمساکین یا دارالایتم لازم نداریم و هر وقت ضرورت پیدا کرد خانه ما در تحت اختیار سارقین و ایتام و مساکین است. این را بنده مخالفم مملکت هم محبس لازم دارد هم دارالایتم لازم دارد هم دارالمساکین لازم دارد همه چیز لازم دارد. مخصوصاً بنده خاطرهم میآید که در سال قحطی که آقای رئیس الوزراء رئیس اداره ارزاق بودند و ارزاق را اداره میکردند یکرهوزی در هیئت وزراء آقای سردار اسعد که امروز وزیر جنگ هستند و بنده هم در هیئت وزراء بودم فرمودند که من فقرا را باغنیاء تقسیم کرده ام و چند نفر هم سهم شما شده است که برای شما میفرستم و من هم فرمودند که چند نفر هم برای شما میفرستم بعد فرمودند که اینها برای شما تکلیفات و تکلیفات زیادی ندارند اینها چیزی که برای شما دارند فقط بيك اطاق میخواهند و بيك لحاف و بيك غذا، چیز دیگری لازم ندارند بنده خدمتشان عرض کردم با آنکه من نصف حقوق سالیانه خودم را امسال بفقرا دادم ام راضی هستم که تمام حقوق خودم را بدهم ولی این مهیانهائی را که شما برای من معین کرده اید نمیتوانم

دعوت کنم برای اینکه منزل بنده برای يك اشخاص ناشناسی ساخته شده که من بتوانم اینها را پذیرائی بکنم و شب تا صبح هم بیدار بمانم که مبادا یکی از آنها برخیزد و سرقتی بکنند و يك خطری برای من داشته باشد در منزل من جائی برای کسی نیست آقای رئیس الوزراء قبول فرمودند و عصری که شد دیدیم تمام آن مهمانهای که معین کرده بودند درب خانه فرستادند درب منزل بنده هم فرستادند تمام آنها را پشت درب خانه گذاردند و هیچ کسی روی آنها در را هم باز نکرد. پس عقیده بنده اینست باید مملکت دارالایتام و محبس و اینها را داشته باشد هیچ کس نمیتواند بگوید هر وقت ضرورت پیدا کرد من در خانه ام را باز میکنم و ازین جور اشخاص در منزل خودم پذیرائی میکنم ولی بنده میخواهم به بینم که خوب حالا که ما باید در دست هزار تومان خرج کنیم که در واقع محل دزد های خودمان را شبیه محل دزد های اروپا کنیم ما میگوئیم میخواهیم امروز تمام چیزهای خودمان را شبیه چیز های سایر ممالک کنیم در هر جا هر چه خوبست همان را بکنیم و برای این کار هم باید دو دست هزار تومان خرج بکنیم تا محل دزدهای ما شبیه محل دزدهای سایر ممالک بشود. بن دو دست هزار تومان خرج دارد خوب بنده میخواهم از آقایان وزراء مخصوص از آقای وزیر داخله سؤال کنم که آیا ممکن است يك مخارجی فرمایند که مردمان صحیح العمل این مملکت مردمان درست این مملکت، مردمان وطنپرست این مملکت را مثل مردمان سایر ممالک بکنند این ضرورت ندارد که شاسلی مبلغی خرج بکنند که مردمان بد این مملکت را مثل آنجا بکنند بنده يك پیشنهادی میکنم بحضرت عالی که يك مبلغی از خرجتان بکاهد و مردمان صحیح و مردمان خوب خودمان را مثل مردمان خوب آنجا بکنید این خیلی خوبست و بنده مانعی نمی بینم، مدت چند سال است که يك مبلغ زیادی همین بودجه نظمی

برای خرج سانسور (چیزی که برخلاف قانون اساسی و چیزی که با اعمال کنندة حقوق ملی است) میگردد و خرج میکنند، امسال چند سال است که همین نظمی يك عدد اشخاص معلوم الحال را دم دروازه می کرد که هر کس که میخواهد از دروازه بیرون رود تمام تاریخ خود و اعیانش و اجدادش را از او سؤال بکند، شما تحقیق بکنید امروز که در ممالک اروپا يك چنین چیزی نیست سهل است در عصر ناصری در عصر مظفری در عصر محمدعلی میرزائی هم همچو چیز هائی نبوده اند سانسور مطبوعات بوده و نه این که اگر کسی بخواید از خانه اش به دهش رود يك عریضه بنظمیه بنویسد و بدون اجازه نتواند حرکت بکنند و اگر بتواند هزار گونه جلوگیری کنند و دم دروازه بایستند اسم خودش و عیالش و پسرش را بپرسند و تقریباً تمام امور اقتصادی را فلج بکنند. امروز ملاحظه فرمائید که در تمام ممالک اروپا سعی میکنند که حتی مذاکره بین المملکتی را هم موقوف بکنند که مسافرت از يك مملکتی بمملکت دیگر سهلتر باشد ما سعی میکنیم که مبالغی خرج کنیم يك مسافرت از خانه به دم را محال کنیم و مسافرت از يك شهر بشهر دیگر را محال کنیم پس بنده سؤال می کنم و عرض میکنم اگر ممکن می شود شما میخواهید محبسهای ما را شبیه محبسهای اروپا بکنید یعنی دزد ها را شبیه بدزدهای اروپا بکنید بیاید اشخاص صحیح اشخاص خوب اشخاص وطنپرست این مملکت را هم مثل آنجا بکنید و با آنها همان معامله ای که در سایر ممالک میکنند بکنید و يك مبلغی از خرج نظمی کسر کنید این جور مسائلی که حقیقه اسباب شکست ماست و این جور مواضعی که در واقع اسباب جلوگیری از امور اقتصادی است بردارید این عقیده من است در باب نظمی حالا اگر آقایان نظری دارند مخصوصاً آقای وزیر داخله مطالبی در نظر دارند فرمایند این مسئله را که امروز عرض میکنم شاید حالا مدتی است

که در نظر بنده است وقتی که آقای فاطمی وزیر داخله بودند بنده خواهم سؤال کنم که معنی این کار چیست و چه دلیلی برای این کار میتوانید معین کنید و چه فایده دارد، اگر کسی واقعا سارق باشد قاچاقچی باشد که بنظمیه نمی نویسد که من قاچاقچی هستم میخواهم از شهر فرار بکنم بمن جواز بدهید تا نظمی از او جلوگیری بکند اینها اساساً بطور ناشناس و مخفی میروند و در بیرون سوار میشوند و بجای های دیگر میروند و تقریباً این وضعیات صدمه اش باشخاص درست و اشخاص صحیح مملکت میرسد اشخاص قاچاقچی هر جائی که میخواهند بهر وسیله که باشد میروند و ابداً در تحت این تشکیلات و انتظامات نیستند بنا برین صلاح در اینست اشخاصی را که واقعا مردمان با افتخار هستند و اشخاصی را که در فکر کار و این جور چیز ها هستند از تحت فشار این زحمات خارج کنید. يك مسئله دیگر که بنده داشتم اینست که يك چیزی پیش ازین در مملکت ما معمول بود که در عصر مشروطه هم باید معمول بشود و آن مسئله بر آورد است و باز دید سابقاً درین مملکت وقتی که میخواهند يك مخارجی بکنند اولاً يك نفر میفرستادند بر آورد میکرد که چیزی که میخواهند بسازند چقدر خرج دارد و بعد مطابق طریقه پیش که معمول مملکت بود يك برائی صادر میکردند - وقتی مخارج بر آورد میشد يك برات تحویل صادر میکردند و يك وجهی ابواب جمع آن کسی که متصدی ساختمان بود میکردند آخر هم که ساختمان تمام میشد باز دید میکردند و از او تحویل میگرفتند حالا در باب این محبسهای نظمی هم بایستی يك بر آوردی شده باشد که این محبسها مال کجاست تنها مال طهران باشد شاید يك اشخاصی باشند که بگویند دو دست هزار تومان زیاد است اگر مال تمام مملکت باشد شاید يك اشخاصی باشند که بگویند که حالا بواسطه نبودن عایدات خوبست که شما محبسهای طهران را بنا کنید و يك نمونه ای بدست بدهید بعد از آنکه وکلای مجلس و مردم دیدند که ساختمان مال

طهران خوب شد يك اعتباری برای محبسهای ولایات بگیرند ولی بدون اینکه يك صورتی داده شود يك همچو دو دست هزار تومان فوق العاده عاجلاً تصویب شود این را بنده مخالف خوب بود يك صورتی برای بر آورد این محبسها تهیه می شد و ما میدیدیم و فهمیده و دانسته رأی میدادیم، فقره هشتم برای خرید لایق اتوار های مدارس متوسطه ایالات ولایات و آئینه مربوطه بانها است این را بنده کاملاً موافق هستم

آقا سید یعقوب - چرا؟

دکتر مصدق - بجهت اینکه آقا این اشخاصیکه در مدرسه تحصیل میکنند لایق اتوار نداشته باشند عمل نمیتواند بینند و وقتشان تلف میشود هر چه زودتر باید این مخارج بشود هم برای تهیه لایق اتوار مدرسه طب و آئینه مربوط بان این را هم بنده کاملاً موافق هستم. دهم برای مخارج ساختمان و تعمیرات قصور سلطنتی توسط وزارت دربار، درینجا بنده دو نظر دارم یکی از جهت صورتی که فرم forme باشد و یکی از جهت معنی است که فن fond باشد در این جور مسائل، در فقره دهم نظر بنده دونا است یکی از نظر صورتی و یکی از نظر صورت است و یکی از نظر معنی صورت یعنی طرز اجراء که این پول را بچه ترتیب بمصرف برسانند و معنی یعنی اینکه این اعتبار ضرورت دارد، باید بشود یا نباید بشود، می نویسد « برای مخارج ساختمان و تعمیرات قصور سلطنتی توسط وزارت دربار » اگر مقصود تعمیرات قصوری است که ملك شخص پادشاه باشد یعنی قصوری است که امروز مال اعلیحضرت است یکی از مشخصات دوره مشروطه این است که پادشاه از ملت چیزی نمیگیرد و برای ملت هم ارثی نمیگذارد مال خودش است. شخص پادشاه اگر بخواید قصورش را تعمیر کند خودشان از عهده تعمیرات قصورشان بر میآیند و بعهدہ ملت نیست و اگر مقصود تعمیر واحداث قصور است که مربوط بدولت است آن وقت مداخله وزیر دربار که شخص غیر مسئولست مورد ندارد. این جا

بنده روشن نیستم این را تصور میکنم که خوبست حضرت والا يك توضیحی بفرمایند ...

وزیر مالیه - چشم آقا، اطاعت میکنم،

دکتر مصدق - خلاصه عرض بنده این بود که اگر این قصور ملک شخص اعلیحضرت که از مشخصات عهد مشروطه اینست که شخص پادشاه از مال ملت چیزی نمیگیرد و بعد هم برای ملت چیزی ارث نمیگذارد مال خودش است دلش میخواهد بسازد دلش میخواهد خراب بکند، و اگر يك قصوری است که مربوطست بدولت یعنی مال ملت است آن وقت تعمیرش بتوسط وزیر دربار که يك وزیر غیر مسؤولی است ابدأ قانونی نیست و برخلاف قانونست چرا؟ برای اینکه اگر يك وزیري مسؤولیت داشت و مسؤول مجلس شد اگر تعمیری نکرد و اگر مطابق تصویب مجلس رفتار نکرد مجلس او را استیضاح میکند ولی وزیر دربار که مسؤولیت ندارد دخالت در کارهای دولتی بکند بنده برخلاف قانون اساسی میدانم این نظر منست، بنده ابدأ نظری بشخص وزیر دربار، خداشاهد است، ندارم برای اینکه من بایشان ارادت هم دارم و اگر ایشان یکی از وزارتخانههای مسؤول را قبول کنند شاید بنده ده میلیون از بودجه مملکت را در تحت اختیار ایشان تصویب میکنم بعد هم چون مسؤول هستند حساب از ایشان میخواهم ولی نظر باینکه ایشان مسؤول نیستند بنده در اینجا ایراد دارم، وقتی که من میخواستم این نظریات را بگویم و این مطالب را یادداشت کنم بخاطرم رسید و تصور میکنم که اگر آقای وزیر دربار اصل چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی را ببینند این طور بفرمایند که اگر این دو اصل در قانون اساسی نبود من با يك پادشاه و با يك دربار مسؤولی این مملکت را در يك آتیه خیلی نزدیکی گلستان میکردم شاید همچو تصور میکردند که اگر اصل چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی نبود و پادشاه مسؤولیت داشت و من يك وزیر دربار مسؤولی بودم این مملکت شاید در آتیه نزدیکی گلستان

بود اگر این تصور را بفرمایند بنده کاملاً مخالف این مسئله هستم بجهت اینکه چیزی که حافظ شخص پادشاه است قانون اساسی است و مخصوصاً اصل چهل و چهارم و چهل و پنجم متمم قانون اساسی، همان طوریکه در موقع عادی هیچ کس راضی بقتل نفس نمیشود ولی در جنگ حوادثی رخ میدهد که از کشتن هزاران نفوس ممکن است کسی نگرانی نداشته باشد همان طور هم بعد از جنگ آثار و علائمی در مملکت میماند من جمله يك حکومتهای خارجی و حکومتهای ارنجایی که بنده عمر این حکومتها را کاملاً کوتاه میدانم و چیزی را که در مملکت مفید میدانم اجرای قانون اساسی است و معتقد شدن بيك حکومت مشروطه است تمام معنائش ... جمعی از نمایندگان - صحیح است همه معتقد باین اصل هستند.

دکتر مصدق - این راجع بود بصورت قضیه. این صورت که پول را چه قسم بگیریم و بتوسط که خرج کنیم، اما در باب معنائش و موضوعش که آیا این خرج ضرورت دارد یا ندارد. این جا نظر بنده، عرض کنم خدمت آقا، این است که وضعیت شخص پادشاه هر قدر در يك مملکت متناسب با وضعیت مردم باشد برای آن پادشاه و آن مملکت صلاحش بیشتر است باین طریق که اگر مردم يك اطاق داشته باشند شاه باید يك عمارتی داشته باشد اگر مردم يك عمارت داشته باشند شاه باید صاحب يك قصر باشد امروز که وضعیت مردم در این مملکت این طور است که در گوشه خیابانها ...

رفیع - آقا، این تعمیر عمارات کهنه است (صدای زنگ رئیس)

باسائلی - آقا این حرفها خارج از موضوع است چه ربطی بلاجه دارد

(صدای زنگ ریاست)

رفیع - آقا چرا مانع نمی شوید ازین صحبتها، چرا

اداره نمیکنید

(صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

عمادی - آقا این اختلاف درجات در مملکت لازم است باشد.

(صدای زنگ ریاست)

رفیع - ما گوش نمیدهیم

(همه نمايندگان - صدای زنگ متوالی)

نایب رئیس - بگذارید آقا حرفشان را بزنند آقایان هم بنوبت خودشان بیایند حرف بزنند، (خطاب بدکتر مصدق) - بفرمائید

دکتر مصدق - تعمیر و احداث قصور را شاید بنده بگویم بنده صلاح میدانم بلکه صلاح میدانم این قصر هارا بگویند ...

باسائلی - پیشنهاد کنید

دکتر مصدق - چشم، پیشنهاد میکنم عجالتاً اجازه بدهید عرضم را بکنم: عرض میکنم که بنده امروز که وضعیت مردم این طور است مردم نوبی خیابانها افتاده اند و منزل و مأوی و مسکن صحیحی ندارند و وضعیت مملکت این طور خرابست عقیده شخص بنده اینست که این قصر فرح آباد را که مظفرالدین شاه ساخته است این قصر دوشان تپه که ناصرالدین شاه ساخته است این عمارت شاه آبادی که مظفرالدین شاه ساخته اینها را خراب بکنند. عقیده بنده اینست. چرا؟ برای اینکه بنده تصور میکنم که اگر ما صدوسی و پنچ هزار تومان را دوست هزار تومان دیگر، سیصد هزار تومان دیگر رویش بگذاریم يك کارخانه کاغذ سازی یا قند سازی و يك چیز هائی که برای مردم مملکت يك کاری پیدا شود و چیزی در بیاید بسازیم ...

عمادی - کسی حرفی ندارد،

دکتر مصدق - بهتر است، این حقیقت است، عقیده ام

را عرض میکنم ...

عمادی - آنها را هم باید درست کنیم

دکتر مصدق - اجازه بفرمائید آنچه که مقدم است مقدم باید در نظر گرفت. مقدم اینست که ما يك کاری بکنیم که مردم از گرسنگی نهرند، این عقیده بنده است بنده عقیده ام اینست که شاه مملکت با وزیر دربار مملکت، یا رئیس الوزراء مملکت اگر در يك اطاق نشینند که سفش چکه بکند و خیلی هم زیباییات نداشته باشد ولی ملتش شکمشان سیر باشد و مردمش وضعیتشان خوب باشد و راحت باشند آن بهتر است و افتخارات آنها بیشتر است ...

عمادی - اگر محفوظ باشد

دکتر مصدق - این عقیده بنده است که عرض میکنم و نه اینست که حالا این عرض را میکنم پیش هم همین عرضها را کرده ام بنده در دوره چهارم وزیر مالیه بودم بودجه مملکت را که آوردیم در مجلس دیدم که اگر خرج خیلی زیاد است و عایدات کم بنده دیدم که اگر ما بخواهیم عایدات زیاد کنیم مردم میگویند چرا مخارج زیاد را کسر نمیکنید و اول عایدی را زیاد میکنید در کمیسیون قوانین مالیه شخص بنده پیشنهاد کردم که از حقوق ولعهد که چهارده هزار تومان بود چهار هزار تومان کسر کردند بعد عمر بنده با آخر رسید ...

آقاسید یعقوب - یعنی عمر وزارتتان

دکتر مصدق - بلی، با آخر رسید و بنده مأمور شدم رفتم با ذریابجان بعد از آنکه بنده رفتم با ذریابجان يك تلگرافی بهمان ولعهد وقت بطهران کردم بنده جواب نداد وقتی که بنده آمدم بطهران رفتم پیشش بوقت کله کردند و گفتند که چرا نیامدی، رفتم، ببندید فرمودند که من يك کاری برای شما کرده ام حالا خودم اقرار میکنم بوزیر جنگ گفتم باشما مساعدت نکند برای اینکه شما از آذربایجان بیایید گفتم خیلی خوب حالا علتش. بفرمائید گفت برای اینکه شما گش (Gauche) هستید یعنی دست چپ هستید بنده گفتم اشخاصی که متصدی امور مهمه مملکتی هستند نباید نظر بدست چپ و دست

راست و متوسط داشته باشند و همه را از خودشان بدانند زیرا اشخاص متصدی امور مملکت مثل رئیس جمهوری امریکا نیستند که اگر راست شدند با راست بیایند و با راست بودند و هر کدام که از حزب جمهوری انتخاب میشود وقتی که حزب جمهوری عده اش کم میشود و قوتش کم میشود و قوتش کم میشود رئیس جمهوری برود و وقتی که احزاب قوی شدند رئیس جمهوری منسوب بآنها قوی باشد ولی وقتی که ضعیف شدند رئیس جمهوری منسوب بآنها ضعیف شود باید شخص شاه مملکت رئیس مملکت نظر بر راست و چپ نداشته باشد، بعد گفت خوب، حالا تو چرا حقوق مرا کم کردی عین همین عبارتی که بمن گفت اینست که تو چرا حقوق مرا کم کردی در جواب گفتم من خیال میکردم شما علاقمند بمملکت هستید، بنده امروز در يك مجلسی این عرض را میکنم که شخص اول مملکت ما، پادشاه مملکت ما يك شخصی است که گوش میدهد و حرف خیر خواهان خودش را کاملاً اصغاء میکند، بنده افتخار میکنم که پادشاه ما يك کسی است که تمام مراحل زندگی را در این مملکت طی کرده است: او میفهمد که شکم گرسنه چیست و میفهمد سیر چیست و میفهمد خیر خواهش کیست، بنده این عرایضی که میکنم تمام از نقطه نظر خیر خواهی شخص پادشاه و از نظر خیر خواهی موکلین خودم و خیر خواهی مملکت عرض می کنم حالا اگر آقایان موافق هستند موافق باشند موافق هم نیستند نباشند بنده مکلف هستم درین مجلس عقاید خودم را بگویم بنده درین عصر و این عهد صدوسی هزار تومان برای تعمیر قصور سلطنتی صلاح نمیدانم این قصور را باید گذاشت خراب شود و این صدوسی و پنج هزار تومان را باید صرف يك کاری کرد که چهار نفر گرسنه متمتع شوند و فایده ببرند

وزیر مالیه - عرض کنم که فرمایشات نماینده محترم را البته یکی یکی جواب عرض خواهم کرد: در مقدمه

يك اشاره ای فرمودند، فرمودند « وزیر مالیه از احتضار استفاده میکند » بنده که احتضاری قائل نیستم و استفاده هم هیچ وقت از احتضار نمیخواهم بکنم و همیشه میل دارم اگر طرف صحبت یا مذاکره یا مبارزه میشوم همیشه با زنده ها باشم و الحمد لله شکر میکنم که هیچ احتضاری هم در بین نبوده و نیست و بنده این فکری را که این مطلب بار اشاره میکند که يك مجلس ممکنست بگذرد احتضاری داشته باشد فکر غلطی میدانم مجلس را تا آن دقیقه ای که دوره قانونیش سر زفته است مجلس میدانم و مطابق اصول مشروطیت حاکم و فرمانروا میدانم و هیچ کدام از آقایان نمایندگان که اینجا نشسته اند معتقد نیستم که در دوره تقنینیه و در دوره ای که موظف بادای وظیفه ای هستند اینقدر ضعیف باشند که يك موقعی برای خودشان قائل بشوند که در آن موقع در ایفاء وظیفه خودشان باید سستی و تهاون کنند. در موضوع لایحه ای که مطرح است فرمودید که يك قسمت عمده از این مخارج مربوط است به بنائیه و بنائیه همیشه يك موقع معینی دارد چطور شده که این لایحه در آخر سال آمده است. اولاً بنده تمنای منم از نماینده محترم و از آقایان دیگر که متذکر باشند که این لایحه در اول سال آمده است مگر بنده اینجا عرض کرده ام این تجزیه و بالاخره کسر شده است لایحه يك میلیون و نیم است که این لایحه يك میلیون و نیم را اگر بتاریخش مراجعه فرمائید مدتها قبل به مجلس تقدیم شده بعد نظر به مقتضیات، حسابها، تأمین بانک، محاسبات مملکتی، اینطور لازم شد این لایحه را بنده پس بگیرم و مجدداً درش يك مطالعه بکنم و دومرتبه تقدیم کنم، پس گرفتم و يك اصلاحی کردم باین ترتیب و این هم مدتی است آمده است. و علاوه بر آن آقای مصدق السلطنه که خودشان اغلب بنائیه فرموده اند و سابقه دارند البته باید تصدیق بکنند که تهیه اعتبار همیشه لازم ملزوم عمل فوری که نیست. ملاحظه فرمائید. البته بنده هم تصدیق میکنم

این دوست هزار تومان یا سیصد هزار تومان که برای فلان بنائیه و ساختمان میدهند در این ماه های آخر سال و در این ماه های زمستان که مانع بودیم در این سرما گل روی هم بگذاریم و خشت بگذاریم ولی تقاضای اعتبارش آیا الزامی دارد. وقتی يك خرجی را شما ضروری فرض کردید تقاضای اعتبار و تعیین خرجش آیا تفاوتی دارد که نوبی يك اطاقی که بخاری میسوزد توی زمستان باشد یا توی يك هوایی که آدم يك لای قبا توی خیابان راه میرود توی مجلس هم که می آید عرق میکند؟! این الزامی که ندارد! البته وقتی خرجی ضرورت دارد اعتبارش را باید از يك محلی معین کرد و اعتبارش را تصویب کرد و در موقع خودش خرج کرد. و حالا چون در کلیات فرمایشاتتان يك قسمت راجع به بنائیه فرمودید و فرمودید وقتی که رسیدیم بيك قسمت جزئیات بنائیه يك فرمایشاتی که مربوط بهمان قسمت است خواهید فرمود بنده هم بطور کلی جواب قسمت اول را عرض میکنم و وقتی به قسمت جزئیات رسیدیم بطور تفصیل آنجا عرض خواهم کرد حالا در قسمت کلیات اول فرمایشاتی فرمودید بعلاوه فرمودید که سابقاً يك صورت عملی بوده که وقتی میخواستند يك چنین کارهایی بکنند برآورد هائی میکردند معین میکردند يك براتی صادر می کردند: بعد يك حسابی میکشیدند خوب اینها از نقطه نظر عمل صحیح است ولی حالا هم اینطور است، فرم تغییر کرده حالا میایند مجلس يك اعتباری میگیرند وقتی که اعتبار را گرفتند بعد وزارت مالیه این اعتبار را (نه بکھو) برور، خرد خرد هر وقت لازم میداند بيك اداره دیگری که وزارت فوائد عامه است یعنی اداره که مربوط باین بنائیه است تحویل میکند صورت برآوردی را هم قبلاً از شان میگیرد بعد صورت خرجش را هم از شان میگیرد. الان این دوست هزار تومانی که اینجا ملاحظه میفرمائید که ما يك رقمی معین کرده ایم این از روی يك برآوردی بوده و برآوردش هم موجود است ولی البته وزارت مالیه

تا وقتی که ساخته نشود و حسابش قطعی نشود پیش شما نمی آورد که بشما بگوید، پیش خودش حساب میکند اعتبار میگیرد آنوقت میرود آن عملیات اداری را میکند اگر در کلیات ملاحظه فرمائید از نقطه نظر رسیدگی بحساب، بر آورد کردن، جمع کردن و این قسمت ها تغییری نکرده، این دقیق تر و محکم تر نشده باشد قطعاً سست تر نشده است. يك مسئله دیگر در ضمن کلیات فرمودند و آن راجع باین بود که ما تشخیص اضافه عایدات را چه جور دادیم و اضافه عایدات نیست و فرمودند اضافه عایدات را وقتی میشود تشخیص داد که در بکستون بنویسند عواید پیش بینی شده و در يك ستون بنویسند عواید وصولی و آنوقت در ستون ثالث بنویسند این اضافه عایدات. خوب همینطور است تمام کارهای دنیا همینطور است تمام کارهای بودجه خودمان را اگر بخوایم از نقطه نظر اصولی رویه اش را در اینجا در پشت تریبون ذکر کنیم همینطور است و تطبیق با عمل دارد. این اضافه عایدات را با این صورتی که آقا فرمودند برای این ممالک قائل شدیم ولی خیلی هم کاملتر از این حساب شده. چطور؟ حالا بنده عرض میکنم. در ۳۰۵ یعنی از قبل از ۳۰۱ در ۳۰۴ برای ۳۰۵ يك عوائدی در بودجه پیش بینی شده بیست و دو میلیون بیست و سه میلیون، بیست و چهار میلیون وقتی که سنه ۳۰۵ منقضی شده مخارجی که برای سنه ۳۰۵ پیش بینی شده بوده پرداخته شده سه ماه هم از ۳۰۶ گذشته آنوقت مانگام میکنیم توی خزانه مان می بینیم که چهار میلیون و نیم یا پنج ملیون یا شش ملیون پول داریم. این یعنی چه؟ یعنی اضافه عایدات (این را هم باید عرض کنم. راجع باین ارقامی که اینجا عرض میکنم این را باید قید کنم که چون وزیر مالیه هست مباداً آقایان تصور بکنند که این ارقام قطعی است بطور تقریب و بطور مثل این را عرض می کنم) فرض فرمائید در ۳۰۵ ما پیش بینی کرده بودیم بیست و دو یا بیست و سه



میلیون عایدات و مخارجان را هم تطبیق کرده بودیم با این بیست و سه ملیون وقتی مخارجان را کردیم و ۳۰۵ هم گذشته مانده کردیم دیدیم توی خزانه مان پنج میلیون پول داریم شش میلیون پول داریم این یعنی چه؟ آنوقت سمنایش این است که ما عوض بیست و دو میلیون عایدات يك عایدات بیشتری پیدا کرده ایم و بعلاوه از مخارج پیش بینی شده هم یک قدری کمتر خرج کرده ایم یکیش میشود اضافه عایدات و یکیش هم میشود صرفه جوئی و تفکیکش هم از هم همه روزه برای ما حاضر و موجود و ممکن است پس وقتی ما میگوئیم اضافه عایدات اضافه عایدات همانطوری که نماینده محترم فرمودند از روی ستون جمع است و مقایسه عایدات پیش بینی شده و عایدات وصول شده یا مخارج پیش بینی شده و مخارج عمل شده این نتیجه اش است. پس رو به مرفته وقتی درست دقت بفرمائید در اصل و کلیات اختلاف نظری نداریم و عمل هم مطابق همین روزه و ترتیب شده است و میشود يك مسئله دیگری هم هست از نقطه نظر کلی و آن تشخیص ضرورت مخارج است و فرمودید که در هر موقعی که يك خرجی ضرورت پیدا بکند و لو عایدات نباشد و لو اضافه عایدات نباشد ولی به مجرد اینکه ضرورت پیدا کرد يك مخارجی آن مخارج را باید کرد و بعد از برای آن يك عایدات جدیدی تأسیس کرد: البته از نقطه نظر اصول مملکت داری و از نقطه نظر حفظ وصیانت منافع يك جامعه این اصل خیلی صحیح است خیلی محرز است، خیلی مسلم است، منتهی ما چه میگوئیم؟ ما میگوئیم حسن اداره این است که انسان بتواند مخارج خودش را هم برساند بدون اینکه مجبور شود يك اضافه عایداتی از راه مالیاتهای جدیدی پیدا کند یا از راه يك استقرارهایی که بعد مجبور باستهلاك آن بشود. پس در حقیقت این اقلامی را که ملاحظه بفرمائید اگر ما بخواهیم يك قدری نزدیکتر بواقع بشویم اسمش را چه باید بگذاریم؟ باید بگذاریم مخارج پیشبینی نشده در بودجه یا مخارج غیر مترقبه. چرا؟ برای اینکه وقتی شما

از برای مملکتی بودجه مینویسید این بودجه را در سه ماه چهار ماه قبل از آن سالی که برایش مینویسید تهیه میکنید يك مخارج عادی و معمولی را در نظر میگیرید این عمل شما این فکر شما هیچوقت حاکم بر قضا یا که نمیتواند باشد! مملکت است و قایمی اتفاق میافتد زندگان را نمیشود منجمدش کرد مقیدش کرد بيك چهار دیوار. يك خرجی هم که پیدا میشود که ضروری تشخیص میدهند ولی قبلا پیش بینی نشده این اسمش چیست؟ مخارج غیر مترقبه یا، مخارج پیش بینی نشده. دولت چه باید بکند؟ باید مراجعه کند به محل قانون گذاری و لزوم این خرج را ارائه بکند و تصویبش را بخواهد. در بودجه باید همیشه اعتبارات هنگفتی برای این موضوع گذاشت همانطوریکه آقای دکتر مصدق خوب میدانند در تمام ممالک دنیا هست منتهی یواش یواش آشنا میشویم و بدبختانه يك سوء ظنی در مملکت ما، در نژاد ما، و شاید در فطرت ما موجود است که آخر هم هر صدمه ای ما بجزوریم روی این اساس است ماها ملاحظه میکنیم از اینکه در بودجه های مملکتی يك مبالغ هنگفتی بعنوان اعتبارات مخارج پیش بینی نشده بگذاریم و این قلم را حتی المقدور کوچکش میکنیم ضعیفش میکنیم ذلیلش میکنیم مراجعه کنید به بودجه يك مملکت دیگر (شما که بهتر از بنده میدانید) به بینید آن اقلام و آن شایسته ها که برای مخارج پیش بینی نشده میگذارند چقدر عریض و طویل است، يك مرتبه در وسط سال شما مصادف می شوید با يك سیاست مملکتی با يك مطلب خیلی مهمی که ایجاد میکند این فکر را برای مجلس که دوست هزار تومان تهیه پول بکند برای اصلاح مجلس ها اینرا چه باید کرد؟ این را باید گفت که چون ما آروز پیش بینی نکردیم امروز نباید خرج کنیم؟! باید بکنیم. و همانطوریکه فرمودند مخارجیکه خیلی ضرورت دارد باید کرد و باید دید که این اقلام اگر ضروری هستند قبول کرد و اگر ضروری نیست

ردش کرد بنده هم عرضی ندارم و آن روز هم عرض کردم ما وقتی این لایحه را تقدیم شما میکنیم این مخارج و اقلام را بنظر خود مان ضروری میدانیم حالا بحث میکنم. یکی یکی آقا عقاید خودشانرا فرمودند بنده هم یکی یکی جواب عرض میکنم. در موضوع قرضه اصفهان فرمودند که آیا آن رأی که سابقاً داده شده است (و خودشان درش شرکت فرمودند مطابق آنچه که خودشان فرمودند) و آن قانونی که گذشته است کافی بوده و اینکار شده یا اینکه حالا باید بشود. این را گمان میکنم نه محتاج به سؤال و نه محتاج به توضیح باشد برای اینکه قانون را البته آقایان در خاطر دارند در خاطرهم نداشته باشند ممکن است مراجعه بکنند آن قانون قطعی است دولت را مکلف کرده باینکه صد هزار تومان بيك ترتیب معینی برای تأیید و پیشرفت يك امر صنعتی در مملکت بيك کسی که آمده است يك مبالغی از سرمایه خودش را خرج کرده است بيك شرایط آسان قرض بدهد منتهی در آن موقعی که آن قانون را در اینجا گذرانید و آن روز که آقای دکتر مصدق خودشان موافق بودند با آن وسعت نظر و بصیرتی که در امور مالی دارند البته ممکن بود این نقصان را آنجا اصلاح بفرمایند آروز در آن قانون تشخیص فرمودند که این از کدام محل باید حساب بشود حالا ما این عملی را که میآئیم اینجا میکنیم از نقطه نظر قید فوق العاده ایست که به حفظ قانون باید داشت، شما گفتید این پول را بده ما هم دادیم خوب این را میبریم توی دفتر توی حساب در مقابل فلان اعتبار وارد میکنیم ولی اعتبارش را می آئیم اینجا از شما رأی میگیریم برای اینکه آن عمل محاسباتیات توی دفتر صحیح باشد و الا این يك یولی است تصویب شده داده شده و اصلاً بعقیده من از نقطه نظر خود پول مورد رأی نیست از نقطه نظر محاسبه است این است که بنده در اینجا قید کردم که از نقطه نظر محاسبه است دوم فرمودند (حالا

بنده نمیدانم که این یادداشتی که کردم بترتیب اقلام است یا نه ولیکن چون در يك قسمت اقلام آقای دکتر مصدق موافق و مساعد بودند و قصدی نداشتند آنها را البته محتاج باین نیست که بنده تجدید کنم آن قسمتها را که آقا نظریاتی داشتند و توضیحاتی خواستند باید عرض کنم) دومی آن راجع به سجل احوال است. فرمودند ما يك قانونی گذرانیدیم کرد و خوردی.

آقا سید یعقوب - کرد و خوردی

وزیر مالیه - بله. حالا بکسر و بفتح و هر طوری که میل دارید. مثل معروفی است قوش شکاری که سی خودش بگیرد و سی خودش بخورد. فرمودید يك چنین قانونی گذرانیدیم بسیار خوب در همان قانون شما وزارت مالیه را مکلف کرد بد باینکه خرج سجل احوال را بدهد و از باب عایداتش حساب کند این مشکل بود قانونیکه هنوز عملی نشده و سجل احوالی که تأسیس نشده و دفتر ندارد و تشکیلات ندارد توسعه ای پیدا نکرده که عایدات پیدا بکند. معنای این قانون این است که ما بایستی پول بدهیم و باعتبار عایدات سجل احوال را تشکیل بدهیم. يك عایدات هم پیدا کردیم و مطابق همین ترتیب عمل کردیم پول دادیم بودجه نوشتند خرد خرد تکه تکه مال مرکز را نوشتند از وزارت داخله آوردند عالییه وزارت مالیه کم کرد و زیاد کرد و رسیدگی کرد بعد وقتی که موافقت کرد پولش را داد بعد يك کارهای دیگر کردند همینطور یواش یواش توسعه پیدا کرده يك حسابهایی را هم ما کردیم و هم متخصصین وزارت داخله راجع بعایدات و يك اقلام خیلی بزرگی را هم پیش بینی کردیم که این عواید را هم ما از سجل احوال خواهیم داشت مثلاً ملاحظه میفرمائید همین بودجه امسال که الان دست آقا سید یعقوب است در آنجا عواید سجل احوال را دوست بیست هزار تومان پیش بینی کردیم خوب مارتی که در عمل داخل شدیم جلورقم بدیدیم نه این حسابهایی که ما فرض میکردیم این اندازه نیست بیکیه وقتی از سال رسیدیم دیدیم ما باین عوایدیکه وصول

کرده ایم و يك مخارجی که داریم يك تفاوتی در حدود شصت هفتاد هزار تومان پیدا کرده است حساب کردیم دیدم تا سه ماه چهار ماه دیگر شاید باز همینطور يك تفاوتی دیگر پیدا کند ولی حساب قطعی نبود این بود که در آن تاریخ يك صد هزار تومانی اینجا پیش بینی کردیم برای اینکه آن وظیفه را که شما ما محمول کرده بودید که پول بدهیم سجل احوال تشکیل بشود محل آنرا هم تعیین کرده باشیم که از عوائد بگیرند ما پیش بینی کردیم دیدیم که عوائد تکافو برای خرجی که باید بکنیم نمیکرد (این مال گذشته است که حالا دارم توضیح میدهم) آمدیم این را نوشتیم بعد فکر کردیم که بعد چه باید بکنیم يك قانونی باید برای سجل احوال از مجلس بگذرانیم و باید يك بودجه برای سجل احوال از مجلس بگذرانیم بودجه سجل احوال را خواستیم وزارت داخله درست کرد فرستاد گفتیم این بودجه را بر داریم ببریم در مجلس تصویب بکنند که ما مخارج را بکنیم عوائد را هم ضبط کنیم آنوقت دیگر کم و زیادش باشد جزو عوائد مملکت یعنی این هم جزو مخارج مملکتی بیاید تصویب این صد هزار تومان تاخیر شد چون آن لایحه پس گرفته شد و این لایحه هم عقب افتاد ما در مالیه اصلاً جلو پول را گرفتیم الان سه ماه چهار ماه است که به سجل احوال يك پول داده نشده برای اینکه ما دیدیم و برای ما از روی حساب قطعی شد که اگر ما پول بدهیم عوائدی از این راه حاصل نمیشود که به حساب بگذاریم. تا آن وقتیکه این مسئله برای ما مقطوع نبود میتوانستیم پول بدهیم ولی وقتی که مقطوع شد ما دیگر پول ندادیم. نتوانستیم بدهیم سجل احوال هم دارد میخوابد. این طلب گذشته آن است مال فعلی آن نیست و اینکه فرمودید که تعیین کنیم که عوائدش چیست مخارجش صحیح است بنده هم با حضرتعالی موافقم این را هم تهیه کرده بودیم گذارده بودیم برای آخر سال که رقم قطعی جمع و

خرجش را معین کنیم ببینیم علاوه بر این صد هزار تومان باز پولی لزوم پیدا میکنند یا نه آنوقت اگر لزوم پیدا کرد بیاوریم اینجا بگوئیم این سجل احوال این دخلش است و این خرجش است خرج آنرا بدهید...

دکتر مصدق - همه اش عمل نسیه است!

وزیر مالیه - برای سال آینده فکر کردیم (آن روز هم عرض کردم) دیدیم آن شکل عمل اصلاً مقتضی نیست صلاح شما نیست صلاح ما هم نیست. عوائد سجل احوال را می خواهیم بکلی حذف کنیم. قانونش را هم تهیه کرده ایم بیاوریم مجلس بودجه مخارج سجل احوال را هم تهیه کرده ایم بیاوریم مجلس و جزء بودجه های مملکتی در قسمت اعتبارات وزارت داخله بودجه اش را پیش بینی کرده ایم که خرجش از بودجه مملکتی باشد و عایدی هم از خودش نداشته باشد آنها را هم می آوریم اینجا تصویب کنید. حالا چه میفرمائید؟ که چرا سجل احوال بموجب حکم قانون دایر شده؟ یا این سجل احوال ممکن است بدون پول دایر شود؟ گفتید عوائدش تکافو نمیکند باید سجل احوال کوچکتر باشد؟ اینک چیزهایی است که تمام دست خودتان است شما يك امری دادید ما هم اجرا کردیم لازمه آن اجرا این است که بیاییم بشا بگوئیم تا فلان تاریخی که بر ما روشن شده این مقدار زیادی داده ایم این را بما اجازه بدهید که مطابق این قانون از عایدات حساب کنیم بعد برای آتیه فکری بکنید اما آمدیم سر مجلس ها فرمودید که اصولاً با ساختمان و تعمیرات مجلس موافقید فقط شاید حالا موقعش را خوب نمیدانید و يك مطلبی هم فرمودید که مجلس هائمان را میخواهیم شبیه کنیم به مجلس های اروپا: تصدیق بفرمائید آقای دکتر مصدق که مجلس ها را میخواهیم شبیه کنیم به مجلس های اروپا، این تعبیر باین شکل نباید بشود بایستی گفته شود که مملکت در تحت تأثیر يك سیاست و يك عواملی میخواهد رو بترقی برود. مملکتی که میخواهد روزه ترقی برود...

مدرس - از مجلس باید شروع شود!؟  
وزیر مالیه - همه چیزهایش بایستی متناسب با آن بود آل و با آن آمال و ترقی خودش تطبیق شود اینها تمام موافقی دارد بنده (و حضرتعالی هم بامن یقین دارم موافقید) معتقدم که همیشه از نقطه نظر تقدیم و تأخیر مسائل داخلی باید مقدم بداریم ما باید در قسمت ها و مراحل و طبقه بندی رفتن رو به ترقی آن قسمت هائی که با سیاست خارجی ما و باقوای حیاتی ما تماسی دارد آنها را همیشه به مسائل داخلی مقدم بداریم مسائل داخلی یکسال هم عقب بیفتد اهمیت ندارد. اصلاً چرا مقایسه نمیفرمائید با آن روزی که اصلاً امید این اصلاحات را ما داشتیم با آن روزی که اصلاً فکر نمیکردیم که بتوانیم رو به این قضایا برویم. حالا فرض بفرمائید که آن شباهتی که باید پیدا بکنند در قسمت های خوب همانطور که فرمودید بنده هم با سرکار کاملاً موافقم آنها را فرض بفرمائید شش ماه دیگر بشود...

دکتر مصدق - عجب!!

وزیر مالیه - کدام مقدم است؟ اصلاً ما باید باشیم بایستی زنده بود بایستی حساب مستقبل داشت بایستی اقتدارات داشت آنوقت تمام این مسائل را درست کرد آن قسمت ها قسمت هائی است که بایستی ما بلامضيقه و بدون ملاحظه مقدم بداریم این قسمت هم از آن قسمت هاست. بر آورد و غیر ذلك را هم که خدمتشان عرض کردم که شده است و خودتان مسبوق هستید. يك مسئله را باید اینجا عرض کرد که قانون جزای عرفی ما... (قانون مجازات عمومی). ببخشید چون یکوقت بنده آشنا بودم بان اصطلاح هنوز هم نظرم هست ببخشید) قانون مجازات عمومی ما مثل تمام قوانین دنیا بالاخره حبس و محبس را تنها برای دزد معین نکرده محبس را برای دزد نمیسازیم. محبس را برای

محبوس میسازیم برای هر کس که بموجب قانون حق حبس را دارد دزد هم یکی از آنها است. آمدیم سر قسمت بنائی قصور...

دکتر مصدق - مطبوعات.

وزیر مالیه - بله آقا؟ چه فرمودید؟

دکتر مصدق - عرض کردم قسمت سانسور مطبوعات.

وزیر مالیه - بله در قسمت مطبوعات هم عرض میکنم بنده اینجا وزیر مالیه هم دفاع میکنم (خنده نمایندگان) از اوضاع مالی و لایحه مالی. باین ملاحظات است والا بنده ملاحظه ندارم از اینکه جنابعالی چیزی میفرمائید جواب عرض کنم. بنده خودم در ضمن صحبت بشما عرض کردم که از موافقین این عقیده هستم دولت هم موافق است و اول کسی هم که با این مسئله موافق است شخص اعلیحضرت است که همه چیز ما باید رو بترقی برود و شخص اعلیحضرت را خودم دیده ام که اغلب متأثر میشدند از اینکه چرا يك وقتی بی تجربگی ها و يك خلاف سیاست هائی میشوند که آن خلاف سیاست ها الزام میکند که برای حفظ يك اصل بزرگتری يك اصل کوچکتری به تناسب (والا خود اصل خیلی بزرگ است) باید خدشه بردارد. ایشان معتقدند و تمام ما معتقدیم که باید مطبوعات ما آزاد باشند. ما معتقدیم باینکه مطبوعات از ارکان حکومت ملی است و از ارکان مشروطیت است. ما معتقدیم باینکه بایستی این ارکان مملکتی و این ارکان آزادی را تکبیر کرد و تقدیس کرد و تعظیم کرد ولی در مقابل آن کسی که مسئول سیاست مملکت است بواسطه اینکه شما او را گذاشته اید و باو اعتماد کرده اید و آن کسی که مسئول سیاست و يك حسن جریان هائی است وقتی بر بخورد بيك مشکل هائی که دارد بيك مسئله اساسی را ضعیف و خراب میکند اگر بگذری قصور در يك اصلی میکند بکنند شما هم باو اعتماد داشته باشید و مطمئن باشید که اصول را میخواهد حفظ کند و الا خودش آنکسی است که آرزو نمند است يك روزی برسد که تعلیمات ما

را مطبوعات قرار بدهند و انشاء الله آن روز هم خواهد رسید. مسئله دیگر که فرمودید مسئله قصور سلطنتی است...

دکتر مصدق - دم دروازه ها

وزیر مالیه - چطور آقا؟

دکتر مصدق - ده دروازه ها را فرمودید

وزیر مالیه - (با خنده) خوب من آنکه مهمتر بود گفتم اینکه هیچ، ولی بنده بدم نمی آید، ملاحظه ندارد بله، کار بواش بواش به مکالمه و صحبت دارد میکشد. بنده اصلاً مجلس را این طور خوب می دانم، بنده مجلس را بان فرمالیته که یکی برود پشت تریبون حرف بزند عقیده ندارم. نه اساساً اینطور باشد چه عیب دارد یکی شما بفرمائید بنده هم عرض میکنم يك قدری هم بخندیم...

آقا سید یعقوب - از خارجیش چیست؟ مطبوعات از سانسور خارج شد؟ نه

وزیر مالیه - قسمت چهارم که راجع بقسمت بنائی و قصور سلطنتی است اینجا بنده متأسفم از اینکه شاید لایحه و خبر آنطوری که بایستی عبارتش روشن باشد روشن نیست و آقای دکتر مصدق را که بنده یقین دارم آدم بسیار منصف و آدم بسیار وطنخواهی هستند ایشان را اغوايک اشتباهی کرده است و در اینموضوع اینجا امروز بنی انصافانه حرف زدند، این تقصیر خودشان نیست تقصیر لایحه است. قصور سلطنتی که فرمودید ببینیم قصور شخص شاه است؟ آقا این اندازه از این مملکت و از جریان داخلی مملکت مطلعید و میدانید که هیچ مورد نداشته این سؤال را اصلاً بکنید (صحیح است) همه میدانید همه آقایان دیده اند که اعلیحضرت همیونی همانطوری که خودتان فرمودید نسبت به خانه خودشان و نسبت به قصور خودشان مطلعید و میدانید که دلشان می خواهد میکنند و هیچوقت نه يك قران و نه يك تومان تحمیلی سوای آن بودجه خودشان بشمارند

این را هم همه میدانید و بنده نمیدانم اصلاً مورد اینکه اینجا گفته شود برای چیست. برای اینکه من میدانم شما سوء نیت ندارید و قطع دارم مطلب اینطور است پس یقین میکنم شما اشتباه کرده اید پس بنا بر این قصور قصور دولتی است یعنی قصور سلطنتی دولتی معنائش این است درست است قصور دولتی و قصور سلطنتی دولتی در اصطلاح ممکنست با هم فرق داشته باشند. قصور سلطنتی آن قصور دولتی است که سلطان یا خانواده سلطان در آن سکنی و منزل دارند ممکن است دولت يك قصوری هم داشته باشد برای کارهای دیگر که قصور سلطنتی نباشد موزه باشد، سرناز خانه باشد، اینها را میکوبند قصور دولتی. فرح آباد و شاه آباد و دوشان تپه و اینها هم که فرمودید اینها همه وزن شعر بود تصدیق میفرمائید و اشکال پیدا کردن قافیه بود که خودتان مسبوق هستید و تصدیق دارید که اعلیحضرت مواظبتش از نقطه نظر بیت المال و از نقطه نظر مالیه این مملکت از همه ماها بیشتر است. (دکتر مصدق صحیح است) اگر صحیح است آقای دکتر مصدق باید قطع داشته باشید که ایشان هیچ وقت نمی آیند بگویند که شما بروید صد و بیست هزار تومان بگذارید توی بودجه برای اینکه بروید فرح آباد را تعمیر کنید. شما کدام يك از این هوس بازهائی را که بوده و همه داشته اند و یکی از لوازم سلطنت است و همه جای دنیا هم هست دیده اید که ایشان داشته باشند؟ شما نگاه کنید در تمام ممالک دنیا پادشاهان امپراطوران قصر بیسلاقی دارند شکار گاه دارند قصور سلطنتی متعدد دارند همه آنها را از بودجه مملکتی نگاه میدارند حقوقات کزاف هم میگیرند کدام یکی از آنها را دیدید که پادشاه ما عمل بکند سادگی زندگی او او را اصلاً بن فکر نمی اندازد که او بیاید صد و بیست هزار تومان اعتبار بگیرد برای اینکه ما بیاییم سلطنت آباد یا فرح آباد را تعمیر کنیم یا دوشان تپه یا عمارتی را در پشت کوه تعمیر بکنیم. ما نباید خودمان را بيك نجاها لائی

بزنیم که اصلاً آنها خوب نیست. فقط يك قصر شهری است قصر بزرگ معروف به برلیان است که معروف به قصر سلطنتی است....

دکتر مصدق - قصور نوشته.

وزیر مالیه - عرض کردم بنده خودم تضعیف میکنم و كلك میکنم بفرمایشات سرکار در اینکه این اشتباه را ما کرده ایم. مثلاً ما نوشته ایم ساختمان شما میکشید کجا را میخواهید بسازید. آقا میفرمائید او، کجا ها را میخواهید بسازید!! خیر آقا ساختمان نیست. بالاخره شما میفرمائید من عقیده ام این است که قصور را باید کوبید خوب این خیلی خیلی بد است، شما باید معتقد بان باشید که ما در حدود معینی در يك حدودی باید همه چیزمان مجمل باشد در يك حدودی همه چیزمان مجمل و معظم باید باشد. ما امروز با بودجه ای که فعلاً در مملکت داریم نباید مثل پادشاه انگلستان که مشروطه ترین ممالک دنیا است و میدانید قدیمی ترین مشروطه دنیا است بیست تا قصور مختلفه سلطنتی و دولتی داشته باشیم که همه اش هم از بودجه مملکتی تعمیر شود اما يك قصر سلطنتی که داریم این باید مجمل باشد، آبرومند، باشد نباید چکه کند اصلاً این فکر فکری است آقای دکتر مصدق. ما همیشه بایستی سعی کنیم در مملکت خودمان تمام افراد و تمام مردم را متمول کنیم تساوی را اگر میخواهیم باید همیشه از بالا بخواهیم تساوی از پایین چیز بدی است. همه را قبرستان کنیم همه را گدا کنیم برای اینکه همه متساوی باشند؟! باید همه را غنی کنیم زحمت بکشیم و کار کنیم وسیله پیدا کنیم آنچه که ممکن است مردم را غنی کنیم. قصر سلطنتی فرح آباد اسمش قصر سلطنتی نیست يك شکار گاهي بوده مورد ندارد. خودتان میدانید مذاکره این است که یکیش مریضخانه بشود یکیش سرناز خانه شود یکیش مدرسه بشود یکیش هم میخواهد فروخته شود قصر سلطنتی يك قصر مرکزی شهر است که در طهران دارید

يك قصر هم دارید در شیران صاحب قرآنیه همین همین خوب این بایستی خراب باشد؟ خیر بایستی مجمل باشد آباد باشد...

دکتر مصدق - آباد هست تعمیر ندارد

وزیر مالیه - شما حیثیت مملکتتان و شرافتتان در این است در آنجا هائی که نماینده های خارجی را پذیرائی میکنید آباد باشد و باید همه جور فداکاری هم برای آن بکنید. و همانطوریکه ما نباید انتظار داشته باشیم که پادشاه مملکت از بودجه مملکت بخواهد برای تعمیرش همانطور هم یکشاهی نباید بگوئیم پادشاه مملکت ما از جیبش برای تعمیر قصور سلطنتی بدهد (دکتر مصدق صحیح است) صحیح است آقا؟ پس باید موافق باشید...

دکتر مصدق - خرجی ندارد.

وزیر مالیه - ندیده اید شما. قبل از ناگذاری دو سال قبل از این قصر برلیان را میخواستید ببینید امروزش را هم ببینید حالا برویم سر قسمت نانوی فرمانباشان این بولی که در این جا نوشته قسمت عمده اش خرج شده شما ندیده اید تعمیر آن که در قصر برلیان شده آقایان اغلب رفته اند دیده اند. تغییر آن نکرده؟ همین قصری است که سه سال قبل از این بود؟ خیر. چرا میفرمائید خرج ندارد؟ چرا خرج کرده اند. از جیبشان خرج کرده اند و نخواستند در موقعی که در مملکتتان ناگذاری میکنید بیایند در يك قصر خراب بمانند و این کار را خودشان کرده اند و ما نباید بگوئیم که ایشان بیایند این پول را از جیب خودشان بدهند و هنوز هم تعمیرات باقی است تا تمام است بروید ملاحظه کنید این عمارتی که الان هیئت وزراء است شما را بخدا شما را بانصاف کسی يك همچو جائی را در مقابل ممالک خارجه اسمش را میگذازد قصر سلطنتی؟! آن باغچه جلو سابقاً اصطخر بوده بر کرده اند تا تمام مانده این همینطور باید باشد؟! آخر اینها يك چیزی است که ما باید حیثیات مملکتی خودمان را حفظ کنیم

يك نى انصافی دیگر هم اینجا کردید که این دیگر هیچ عذری هم ندارد اولی را تقصیر و قصور خودمان را بشما بهانه دادیم اما این دیگر عذری ندارد. آن قسمتی بود که اشاره فرمودید به مسئله مداخله وزیر در بار و وزیر غیر مسؤول در بنامی. وزیر در بارها که خودش یکی از متجددترین اشخاص این مملکت است و از اولین اشخاصی است که در اینجا پشت این میزها بوده است و وکیل بوده است و هر وقت وکیل بوده همیشه در صف مترقی ها در این مجلس بوده و پیشنهاد های او و سوابق او، هیچکدام اینها را ما نباید فراموش کنیم که برویم درس احترام مشروطیت به او بدهیم. عمل پادشاه ما هم نشان میدهد که بزرگترین احترام را از مشروطیت همیشه او کرده. قوانین اساسی شما قوانین موضوعه شما را همیشه او بیش از همه کس رعایت کرده. مکرر در مکرر بماها که وزراء هستیم بماها که رئیس ما است از نقطه نظر قوه مجریه در مسائل موعظه میکند امر میکند که ما رعایت قانون را در این مملکت مقدم ترین کارها قرار بدهیم. نیابتی اینجا این حرفها را زد که این خلاف قانون است که وزیر در بار این مملکت این کار را بکند...

دکتر مصدق - متأسفانه هست

وزیر مالیه - نیست. بنده عرض میکنم نیست. حالا عرض میکنم چرا نیست. نه بنامی در بار نه بنامی فواید عامه هیچ پولی را ما از مالیه نمیدهیم مگر تحت نظارت خودمان من خودم میدانم مباشر خودم را کی قرار میدهم من مسؤول نه وزیر در بار. من بهتر میدانم من میدهم توسط وزیر در بار او بهتر میداند که آنجا چه باید کرد یا يك نفر عضو ملزومات؟ مسؤول من هستم من مسؤول هر وقت میخواهید استیضاح کنید مرا استیضاح کنید قانون معین کرده. مرا معین کرده. من وزیر مالیه مسؤول هستم هر وقت میخواهید مرا استیضاح کنید من حاضرم بنده وقتی میخواهم يك عمارتی بسازم که آنجا قصر سلطنتی است انصاف میخواهم کی این را بهتر میتواند تشخیص

بدهد؟ وزیر در بار بهتر میداند که این پنجره را باید کوتاه کرد یا آن منشی ملزومات بنده نمیدانم این فرمایشات چیست میکنید. مسؤول منم. هیچ پولی يك دینار (اینجا صریحاً عرض میکنم) يك قران پول تصویب نشده که خرج نمیکنیم هر جا که شما يك قران پول خرج شده دیدید که تصویب نشده بنده را استیضاح کنید هر وقتی هم که تصویب شده باشد از نقطه نظر حفظ اصول و قوانین نا آن قدم آخرش نظارت میکنم. مگر اینکه قانون اجازه داده باشد مثلاً بنده يك پولی را دیدم خودم نمیتوانم نظارت کنم نوی قانونش گنجاندیم که باختیار فلان اداره باشد خودتان رأی دادید من هم گذاشتم و الا من خودم یعنی مالیه نه من شخصاً پول را که می دهد دنبال خرجش تا آن آخر میرود. نباید این حرفها را زد نیابتی این مسائل را درش حرف زد يك مسائلی را که عمل هر روزه است و تمام آقایان مشاهده می کنید نباید این قدر حرف زد. مسؤولیت خرج مسؤولیت پول تمام اینها با مالیه است آقایان باید بدانند که من مسؤول بدانید نه ده نفر را. تشخیص اینکه من این پول را چه جور خرج کنم و بدست کی باید خرج کنم و چه جور مطمئن شوم و چه جور مصلحت میدانم آن با خود بنده است به مسؤولیت خود بنده است هر وقت آقایان خواستند سؤال کنند اعتراض کنند در این مسئله بنده حاضر هستم جواب بدم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حاج شیخ بیات - بنده مخالفم

بعضی از نمایندگان - تنفس

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس

از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای روحی پیشنهاد کرده اند که

مذاکرات کافی است آقای روحی

روحی - در این موضوع دو جلسه است مذاکرات شده است و بنده عقیده دارم اگر واقعاً قصد لجاج نباشد

مذاکرات مکفی شده و مجلس هم اوقاتش کم است و يك کارهای بزرگتری در دستور داریم این است که بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات کردم.

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم يك مذاکراتی در اینجا بعنوان مخالفت از طرف آقای دکتر مصدق شد و وزیر مالیه يك جوابهایی داد اگر اکثریت مجلس عقیده دارند که آن جوابها از طرف خودشان باشد بنده هم موافقم و اگر چنانچه اینطور نیست اجازه بدهید يك نفر وکیل ولو هر مخالفی که نوبتش است باشد جوابهای ایشان را بدهد که بطوریکه وزیر مالیه گفتند هر چه که در این لایحه نوشته شده ما با آن موافقت داریم که دولت میتواند پیشنهاد کند که من برای خرج فلان محل مستوفی الممالک را پیشنهاد کردم فلان آدم را پیشنهاد کردم آقای پیرنیا را پیشنهاد کردم يك کسی را اسم ببرد وزیر در بار را پیشنهاد کردم بالاخره يك اطاقهایی در آنجا در دربار هست که نیابتی يك اشخاص خارجی در آنجا داخل بشوند و به نظر خودشان باشد اگر صحبتهای وزیر کافی است بنده هم موافقم و اگر کافی نیست باید جواب داده شود.

عراقی - صحبت آقای وزیر کافی بود.

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. جمعی از آقایان پیشنهاد

کرده اند که باصل لایحه دولت رأی گرفته شود

وزیر مالیه - بنده با این پیشنهاد موافقم و تقاضا

دارم که آقای مخبر محترم کمیسیون بودجه هم از طرف

کمیسیون بودجه موافقت فرمایند. زیرا تفاوتی که در

این لایحه با لایحه دولت هست همان قلم ده هزار تومان

آغانه سامان است و یقین دارم که مخبر محترم با بنده

موافقت میکنند در این صورت خبر کمیسیون بودجه و لایحه دولت عیناً موافق است.

مخبر - بنده هم موافقت میکنم.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنیم که نسبت به لایحه اضافات ۱۳۰۵

بطور تجزیه و باورقه اخذ رأی بعمل آید

روحی - جلالی - ...

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(گفته شد. خیر)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرعزی.

(بنجو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم اولاً قانون تخصیص اضافات ۱۳۰۴

و ۳۰۵ و ۳۰۶ بسرمايه بانک لغو شود بعد برای لایحه

دولت رأی گرفته شود.

رئیس - آقای حاج میرزا مرعزی

حاج میرزا مرعزی - عرض میکنم تقریباً پنج

شش ماه بیشتر نگذشته است که در همین مجلس با يك

شوق و شغف همه ماها رأی دادیم که اضافات ۳۰۴ و

۳۰۵ و ۳۰۶ برای سرمايه بانک تخصیص پیدا کند

و مختص به سرمايه بانک باشد مثل اینکه رأی دادیم

عوائدی که از قند و شکر در سرحدات گرفته میشود

مختص به راه آهن باشد پس دولت هیچ حق ندارد که

يك چیزی را که شش ماه، هفت ماه است که میکنند

و مجلس تصویب کرده و اجرای آن را بر عهده دولت

گذارده است بدون اینکه آن قانون را مجلس لغو کند

دولت آن اضافات را به يك چیز دیگری تخصیص بدهد

پس باید چون این پول را مجلس يك محلی برایش معین

کرده قبلاً مجلس آن قانون را لغو کند بعد این قانونی

را که مطرح است تصویب کند و تا آن قانون پیش لغو

نشده است نمیتوانیم این کار را بکنیم، بنده نمیدانم این

کار چه صورتی دارد و بجه قاعده میخواهد دولت این

کار را بکنند؟! حقیقه این دولت هیچ اعتناء به قوانینی که مجلس وضع میکند ندارد...

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست

حاج میرزا مرتضی - این دولت بقدری لایالی و بی اعتناء بقوانین است که چه عرض کنم بایستی این دولتی را که احترامات مجلس را محفوظ نمیکند استیضاح کرد...

(همه نمایندگان - صدای زنک)

وزیر مالیه - چرا معطلید؟ آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - آقایان عرض بنده را گوش دهید اجازه بفرمائید عرض کنم. تا آن قانون لغو نشود نمیتوانیم این وجهی را که ما برای يك كاري تخصیص داده ایم در جای دیگر خرج کنیم. اول آن قانون را لغو کنید بعد به این لایحه رأی بدهید.

یک نفر از نمایندگان - ماده الحاقیه پیشنهاد کنید.

حاج میرزا مرتضی - این ماده الحاقیه لازم ندارد اول آنرا لغو کنید بعد سرمایه که اختصاص به بانک داده اید به این کار بزنید

نایب رئیس - گویا مقصود سرکار این است که ماده اضافه شود که قانون سابق مانعی است میتواند اگر دولت آن ماده را پیشنهاد نکرده است شما پیشنهاد کنید.

شریعت زاده - اجازه میفرمائید؟

آقا سید یعقوب - ایشان عضو کمیسیون بود چه نیستند نمیتوانند حرف بزنند

شریعت زاده - اخطار نظامنامه دارم.

نایب رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - عرض بنده راجع به پیشنهاد ایشان است که پیشنهاد ایشان صورت يك طرحی دارد و باید بطور طرح پیشنهاد کنند و این مذاکره در ضمن يك لایحه مورد ندارد خواستم عرض کنم به مقام ریاست که این پیشنهاد مورد ندارد.

نایب رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که بنده اساساً مخالفتی با اداره سجل احوال ندارم و اول فایده اش این است که احصائیه مملکت معلوم شود ولی این اداره را که ما درست کرده ایم يك اداره منقلب است و تا بحال چندین شکل و چندین طور پیدا کرده و اخیراً بکلی آن را منحل کرده اند. این اگر يك اداره دولتی است فقط قانون تأسیس سجل احوال برایش کافی نیست

مخبر - آقا مذاکرات کافی شده

بامداد - چیز عجیبی است! پیشنهاد کرده ام يك قلم

حذف شود

رفیع - اجازه میفرمائید؟ يك کله بیشتر نمیخواهم عرض کنم.

نایب رئیس - بفرمائید

رفیع - عرض کنم این يك ماده واحده بدترین است و در آن مذاکرات کافی شده است پیشنهاد کرده اند که اقلام آن تجزیه شود وقتی که تجزیه شد و رأی گرفته شود هر کسی که نمیخواهد رأی نمیدهد و هر کس موافق است رأی میدهد

بامداد - يك کله اش را بنده میتوانم پیشنهاد کنم حذف شود تا چه رسد به يك قسمتش خیلی عجیب است!!

بهبهانی - همه چیز باید بعد از کفایت مذاکرات گفته شود.

نایب رئیس - پیشنهاد ایشان راجع به حذف قلم سجل احوال است وقتی که آنجا رسیدیم ایشان میتوانند در آن قلم رأی ندهند.

بهبهانی - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

بهبهانی - اساساً پیشنهاد حذف یا پیشنهاد اصلاح عبارتی یا اینگونه پیشنهادها اینها باید بعد از کفایت

مذاکرات پیشنهاد شود، اینکه میفرمائید که ماده واحده بوده است و مذاکره درش کافی شده و دیگر تیشود در آن مذاکره کرد خلاف قانون است...

رفیع - باید پیشنهاد در موقعش بشود

بهبهانی - موقع و غیر موقع ندارد. باید حفظ مجلس را رئیس بکند، در مواقعی که هر نماینده هر پیشنهادی بنظرش رسید پیشنهادش را میدهد، پیشنهاد اصلاح عبارتی، پیشنهاد حذف فقره از فقرات لایحه، تمام اینها بعد از دوقعی است که رأی بکفایت مذاکره گرفته میشود پس این پیشنهاد خارج از موضوع نیست و بایستی آقای بامداد مذاکره کند

نایب رئیس - تشخیص بنده این است که حالا که پیشنهاد تجزیه شد این مسئله مثل يك لایحه میشود که هر کدام از فقرات آن يك ماده است پس وقتی پیشنهاد ایشان بموقع خودش رسید خوانده میشود آقای وزیر معارف فرمایشی دارند؟

وزیر معارف - حالا عرضی ندارم

نایب رئیس - در باب قسمت اول که اعطاء قرضه باشد پیشنهادی نرسیده است

مدرس - بنده پیشنهادی عرض کرده ام

نایب رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره اولی اضافه شود در صورت مدرس - در آخر فقره اولی

(بقیه پیشنهاد اینطور خوانده شد)

در آخر فقره اولی اضافه شود: در صورتیکه سرمایه بانک از عایدات نطف جنوب تأمین شود.

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود آقای وزیر مالیه خوب توجه بفرمائید، ظاهراً خاطر دارم (آقای وزیر مالیه گوش بدهید) يك قانون گذشته است که اگر يك خرجی

برای يك سالی تصویب شود و آن خرج در آن سال نشد و ماند برای سال بعد و سه ماه از سال دیگر گذشت مجدداً باید دولت آنرا پیشنهاد کند، يك همچو قانونی هست؟

مخبر - بلی در قانون محاسبات عمومی است.

مدرس - شما نگوئید هست خود آقای وزیر مالیه بگوئید وزیر مالیه - بلی هست.

مدرس - پس يك قانونی هست که اگر يك خرجی برای يك کاری تصویب شد و در آنسال آن پول خرج نشد از سال آتی که سه ماه گذشت باید او را مجدداً پیشنهاد کند يك همچو چیزی هست و عمل هم شده است حالا امسال ما آمدیم يك پولی برای سرمایه بانک معین کردیم امسال هم دارد میگذرد، از سال دیگر هم که دو سه ماه بگذرد تا آنوقت هم این آقای وزیر مالیه نخواهند بود.

وزیر مالیه - آرزو است.

مدرس - بنده قول میدهم يك وزیر مالیه دیگری می آید و میگوئیم آقا ما يك بانکی بنا داشتیم و يك پوهائی برای این کار در نظر گرفته شده بود که سرمایه این بانك باشد و سال گذشته که این بانك تاسیس نشد و آقای وزیر مالیه که با متخصص مذاکره کرده است متخصص گفته است که این بانك سرمایه نمیخواهد به آن وزیر مالیه میگوئیم که بیا بانك را تاسیس کن و پولش را پیشنهاد کن میگوئید پول سرمایه بانك را وزیر مالیه سابق خرج کرده است و يك پولی از اضافه عایدات نمانده است که ما بانك تشکیل بدهیم، از يك طرف آقای وزیر مالیه در دو جلسه قبل آمدند و يك لیره هائی ریختند و ما را مفتون کردند که يك میلیون و چه قدر لیره داریم و برای آتی موجود است، پس خیلی خوب است که سرمایه بانك را از آن پوهائی که گفتند موجود است تأمین کنیم، تمام این مخارج از لوازم مملکت است، منتها بعضی واجب است، بعضی

اروجب است، بعضی مستحب است، بعضی استحب است (خنده نمایندگان) ولی تمام مخارج پول میخواهد، کی میگوئید که نباید عمارات را تعمیر کرد؟ بنده میگویم فرح آباد و حزن آباد را هم را باید تعمیر کرد اما پول میخواهد، تمام اشکالاتی را که ما میکنیم بجهت این است که میترسیم تمام این مخارج را بکنیم و دیگر برای تشکیلات بانك پول نباشد، اگر آقا واقعاً آن لیره هائی که فرمودند خرج نشده است و موجود دارید در همین مجلس تأمین بکنید و بگوئید که این لیره ها را (نمیدانیم چه قدر است يك میلیون است ده کرور است) تصویب کردیم برای سرمایه بانك و آن وقت برای سایر مخارج ما رأی میدهیم، این مخالفتی را که ما میکنیم، آقای دکتر مصدق میگویند که کل نکنید تمام از بی پولی است و الا اگر پول باشد چرا این حرفها را میزنیم، ولی آقای وزیر مالیه میآیند این جا و لیره میبافند و برای ما میگویند که چه قدر لیره داریم گرچه نمیدانم چه آری است که همیشه این شاهزاده نصرت الدوله اسبابش فراهم می آید (گرچه به من آری ندارد) که هرچه میخواهم او را از قلب خودم بیرون کنم باز وسیله فراهم میشود که دو مرتبه می آید جاش و این ایام از قلب من بیرون رفته بود ولی باز می بینم دو مرتبه می آید سر جاش برای اینکه شب و روز خصوص امروز دارد خدمت سیاست من میکند، آقا! وکلا مخالف نیستند حتی وکلا با قصر درست کردن مخالف نیستند ولی درد بیدرمان ما پول است، این پولی که زحمت پیدا شد بجهت سرمایه بانك میخواهیم بمالد، شما هم حرف میزنید ولی حرف پول را نگاه نمیدارد، پس از این لیره هائی که شما میگوئید هست سرمایه بانك را تأمین کنید و من بنام فقرانش رأی میدهم و آن اشکالی را که آقای دکتر مصدق کردند که فلانکس نظارت نکنند عرض میکنم خیر اگر پولی بدست ایران خرج شود و ایرانی بخورد ترجیح میدهم باینکه خارجی خرج کند

و بخارجی بدهیم و از این مملکت برود و هیچ اشکالی من در این نمی بینم جز اینکه پول نداریم و تمام اشکال ماسر پول است

وزیر مالیه - راجع به قسمت بانك چندین مرتبه بنده در ضمن مذاکراتی که در این لایحه شده است عرض کرده ام که آقایان شما از سرمایه بانك نگران نباشید، عرض کردم مطابق قانون شما پنج میلیون برای سرمایه بانك تصویب کردید، ما يك مخارجی را از عواید عمومی مملکتی یا از صرفه جوئی مملکتی یا از اضافه عایدات مملکتی امروز لازم میدانیم که بیائیم و بشما بگوئیم که این را تصویب کنید و هیچ از سرمایه بانك هم نگران نباشید. بنده یکقدری بیشتر توضیح میدهم و آقای مدرس هم با آن لطف معنوی و قلبی که به بنده دارند و من همیشه از آن لطف معنوی متشکرم بکقدری مسائل را بیشتر ملتفت شوند. اول ماده سوم قانون بانك را اجازه بدهید من برایتان بخوانم...

مدرس - ماده سوم نوشته است که بانك پول نمیخواهد؟! (خنده نمایندگان)

وزیر مالیه - آقای مدرس گوش بدهید نوشته است: اولاً سرمایه بانك را در ماده دوم يك چیز دیگر قرار داده است گفته است که از فروش خالصجات و جواهرات و بعد گفته است سرمایه ابتدائی برای شروع به کار و برای اینکه بانك اداره شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از ودایع خود... مدرس - ودایع یعنی چه؟

وزیر مالیه - اجازه بدهید، هر کس يك نوبتی برای خنده خود دارد نوبت خنده من هم میرسد، نوشته است: دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از ودایع خود به استثنای وجوه انحصار قند و چای بعنوان سرمایه به بانك بپردازد، این سرمایه بانك که میخواستید، دولت پنج میلیون تومان از ودایع خودش به بانك بپردازد. این قانون است که خودتان گذرانده اید

معنی ودیعه را هم عرض میکنم...  
زعیم - مواد دیگر هم دارد.

وزیر مالیه - میخوانم برایتان، صبر کنید معنی ودیعه آقای مدرس چون سؤال فرمودید عرض میکنم که مقصود از ودیعه چیزی است و وجوهی است که برای يك مخارج خاصی تخصیص شده و صرف مخارج عمومی نشود مثلاً همانطوری که ملاحظه فرمودید این جا از این قبیل وجوه مان انحصار قند و چای هم بوده است ولی آنرا استثناء کرده است عرض میکنم از این قبیل وجوه هر چه باشد که قانون آنرا برای يك مصرف معینی اختصاص داده باشد آنرا ودیعه میگویند. ما اولاً از این ودایع به استثنای وجوه انحصاری قند و شکر و چای تقدیری که بتوانیم این پنج میلیون را بدهیم... مدرس - از اضافات؟

وزیر مالیه - گوش بدهید آقا، بعد قانون خواسته است که ودایع به آن مفهوم خودش محفوظ بماند و خواسته است که محل آنرا درست کند که این را که شما برای سرمایه بانك داده اید از بین نرود، از لایحه می آورید که اینها را به محل خودش باز گشت دهید، باز گفته است که اضافه عایدات (دنباله همان ماده است و صرفه جوئیهای بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب) و در این پنج میلیون هم بحث قانون میکنیم) و آنوقت پیش بینی کرده که اگر محسوب کردیم و اضافه عایدات و صرفه جوئیها تکافوء با آن پنج میلیون نکند، بار خود قانون می گوید...

مدرس - باز لیره ها زیادتر است

وزیر مالیه - اجازه بفرمائید، شما که اهل بحث هستید در آن قسمت هم جواب میدهم. وبعد قانون پیش بینی کرده است که از بودجه ۱۳۰۷ اگر کافی نبود در سنوات بعد که ممکن است ده سال باشد، ممکن است بیست سال باشد مبلغی که بیش از سالی پانصد هزار تومان

نباشد در جزء بودجه مخارج مملکتی منظور نماید. پنج میلیون تومان برای این بانک ملی قانون سرمایه قائل شده یعنی سرمایه موقتی چون سرمایه اصلی آن بیست میلیون است و آن وقت فروش خالصجات و جواهرات و چه چه همه هست و فعلا چون آنها طول دارد که پول بشود سرمایه قرار نمیدهیم. فعلا که شما میخواهید شروع کنید به تأسیس بانک مجلس دولت را مجاز کرده است که فرض کنید اگر امروز بانک بخواند تأسیس شود و اضافاتی نداشته باشد فعلا از ودایع داده شود و بعد برای این که این را رد کنیم گفته است که هر چه شما از بودجه های مملکتی ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و صرفه جوئی میکنید بدهید برای برگردن این محل و اگر هم بر نشد از اول سال ۱۳۰۷ به بعد میتواند صرفه جوئی کنید و نا اضافه عایداتی پیدا کنید برای برگردن این محل سالی یانصد هزار تومان بدهید که کافی شود. پس آقایان دقت بفرمایند که بانک اگر فردا باز شود بموجب این قانون ما حق داریم پنج میلیون تومان از ودایعمان به بانک بدهیم.

مدرس - محل نداریم.

وزیر مالیه - اجازه بدهید. بنده عرض میکنم پنج ملیون تومان الان حاضر و موجود است و بموجب این قانون فردا اگر بنده بانک را باز کردم این مبلغ را میگذارم نوش خوب حالا میخواهید به بینید که ما آخر ۳۰۶ هستیم و میخواهیم به بینیم اگر آن محل هائی که برای محاسبه این کار و برای اعاده آن اصل ما پیش بینی کرده بودیم مهیا است، چرا خود آنها را نمیگذاریم؟ خیلی خوب من آنرا هم موافقم و من آن کار را برایتان میکنم و شما را هم مأخوذ بقولتان میکنم عرض کنم حضور آقایان پس شما این مسئله را قطع دارید که پنج میلیون تومان را که بانک بایستی بموجب این قانون سرمایه داشته باشد هر وقت که تأسیس شد از ودایع برداشته میشود و سرمایه بانک میشود حالا میخواهم

از آقایان بپرسم که اگر حسابها مان را کرده بودیم ( اینرا بطور مثل عرض میکنم و میخواهم نتیجه منطقی بگیرم ) اگر ما حسابها مان را کرده بودیم و می دیدیم که صرفه جوئی و اضافه عایدات هیچ نداریم با داریم و کمتر است این قانون رویه اش چطور میشد؟ رویه اش این میشد که این پنج میلیون تومان را که از ودایع داده بودیم آن میزانی را که داشتیم، یانصد هزار تومان، يك میلیون يك میلیون و نیم هر چه از این محل ها داشتیم به سرمایه و دبعه رد میکردیم آنوقت دو میلیون، سه میلیون از سرمایه و دبعه در بانک باقی میماند، آنوقت هم میبایستی مطابق این قانون شروع کنیم از ۱۳۰۷ به بعد سالی یانصد هزار تومان در بودجه برای این سرمایه منظور کنیم. در ۱۳۰۸ بگذاریم، در ۱۳۰۹ بگذاریم، در ۱۳۱۰ بگذاریم تا اینکه این سرمایه کاملا تأمین شود این رویه عملیش بود به شما چه عرض میکنم؟ عرض میکنم بانک ما هر وقت دائر شد، سرمایه به آن میدهیم صرفه جوئی و اضافه عایدات هم داریم، الان که شما این پولها را تصویب میکنید من فردا از کجا میروم میدهم؟ از همین محل میدهم و بنده تفاوت منطقی با بحال با شما این بوده است که شما میگوئید از صرفه جوئی مملکتی و بنده عرض میکنم هر مخارجی را که شما با من توافق کنید در ضرورتش این بودجه مملکتی است.

نامداد - این تأویل عرفانی است.

وزیر - هر چه از مخارج ضروری مملکتی باقی ماند این اضافه میروم سرمایه بانک میشود حالا میخواهیم به بینیم که آیا ما فردا که بانک را تأسیس کردیم و پنج میلیون تومانش را از ودایع فوری گذاریم در آن و بخرش انداختیم در صورتیکه بنده که وزیر مالیه شما هستم معتقدم که شما اگر بانک را دائر کردید پنج میلیونش را لازم نیست که بکھو بهش بدهید قانون بنده را مجاز کرده و بنده با مشورت متخصص به بانکی که نازه دائر میشود شاید صلاح ندانم که يك دفعه پنج میلیون را

بدهم، شاید اول يك میلیون بدهیم، در میلیون بدهیم شش ماه باید صبر کنیم و به بینیم که آن يك میلیون نتیجه اش چه میشود. راجع به لیره موجودی بله آقا پشت تریبون عرض کردم و حالا هم میکنم که الان در بانک يك میلیون و سیصد هزار لیره ( که معادل میشود با نرخ امروزه هر چه حساب کنید ) پول موجود داریم نه تنها اینکه دست نخورده است بلکه تصمیم بدست خوردن آنها بنده دارم. بنده این يك میلیون و سیصد هزار لیره را تا فردا در هر کجا میخواهید تسلیم میکنم، بنده يك میلیون و سیصد هزار لیره شما را از روی مصالح مملکتی نگاه داشته ام در صورتیکه مطابق قانون بودجه نامبران نه کرور و بنا ۴ میلیون و نیمش جزء عوائد امسال است و جزء مخارج امسال آمده است و بنده این کار را بر حسب امر شاه و استرضای شاه کردم و این يك شرق دستی است که من کرده ام و این يك میلیون و سیصد هزار لیره را که جزء بودجه جاری امسال باید محسوب شود و خارج کنیم و نگاه داریم برای بودجه ۳۰۷ چرا؟ برای اینکه بعد از این جریان کار و بودجه و عایدات سال بعد درست شود و مال ۳۰۷ هم بماند برای ۳۰۸، این کار را ما کردیم، شما این کار را صلاح نمیدانید و میل دارید که ما مطابق معمول همان عایدات ۳۰۷ را جزء بودجه ۱۳۰۷ بیاوریم؟ الان بنده حرفی ندارم اگر این کار را صلاح بدانید و تشخیص بدهید که این يك میلیون و سیصد هزار لیره مال بانک است ما هم این کار را میکنیم ولی جزء بودجه باشد بهتر است، من با آقایان عرض میکنم امروز يك میلیون و سیصد هزار لیره در بانک موجود داریم که تصمیم هم داریم آن را جزء بودجه جاری بیاوریم و از اضافه عایدات هم خرج نکردیم فقط خرجی که از اضافه عایدات کردیم و مکرر هم اینجا گفته شد که کمیسیون بودجه هم تعقیب کرده و مذاکره کرده و پشت این تریبون گفته شد و در کمیسیون بودجه هم گفته شد فقط پولی است که برداشته اند و با اداره ارزاق و حمل و نقل

برای مخارج داده اند (حالا بنده رقم قطعیش نظر من نیست) شاید چهار میلیون یا چهار میلیون و نیم است که از اضافه عایدات و صرفه جوئیهای ۳۰۴ و ۳۰۵ برداشته اند و داده اند و حال آن پول را چطور برداشته اند و داده اند کاری نداریم.

مدرس - یعنی خورده اند؟

وزیر مالیه - آن معلوم نیست عرض کنم خدمتتان که چه جور برداشته اند و داده اند این است که هر وقت وجوه عمومی عایدی را بر میدارند و میدهند برای يك خرجی که توی بودجه پیش بینی نشده ( این جلوی خرج بودجه را نمیگیرد ) و آن پول پیش بینی نشده را ما پای این اضافه عایدات میگذاریم، ملاحظه بفرمائید چهار میلیون و نیم الی پنج میلیون پول از اضافه عایدات و صرفه جوئیهای ۳۰۴ و ۳۰۵ داده اند به اداره ارزاق و اقلام جزء آنرا بنده در کمیسیون بودجه صورتش را آوردم و آقایان دیدند و در مجلس هم در پشت این تریبون اقلام جزئی را گفتیم. و نظرم نیست که یکی از آقایان که گویا آقای باستانی بودند سؤال کردند و اقلام آنرا بجزء گفتیم و این پولهائی که به اداره ارزاق داده شده است يك سرمایه است من جمله این صد و سی هزار خروار جنس را که دارید اینها تمام پول میشود و متصل به سرمایه است منتهی يك سرمایه است که ما نمیتوانیم اعاده بخزانة و تقدش کنیم برای اینکه لازم است يك سرمایه در اداره ارزاق در جریان باشد، از این طرف این گندم را باید فروخت و پولش را گرفت و باز برای خرید گندم گذاشت که همیشه اینار جنسش موجود باشد و قیمت جنسش را داشته باشد حالا اگر آقایان صلاح میدانند باید بگویند که برای سال آینده دولت این خرج را نکند و این صد و سی هزار خروار جنس را نداشته باشد، قلم های دیگر هم که از این اضافه عایدات به ارزاق داده شده است هست که سوخت نیست بعضی سوخت و لاوصول است که از باب ضرر هائی است که در ۳۰۴ و ۳۰۵

اداره اوراق داده است و امر بکتابها پای آن مبلغ حساب کرده اند که در حدود یک میلیون و نیم است و البته ماقی سرمایه موجودی آنجا درست است. این عرایض یک حاشیه بود که خواستم جواب آقارا بدهم که فرمودند اضافه عایدات خرج شده بنده خواستم تکذیب کنم که خرج نشده مگر همین یک قلم والا اضافه عایدات موجود است و یولی که اضافه عایدات است علامت مخصوصی ندارد با عایدات علامت خاصی ندارد معلوم است نیست و دو میلیون بایست و سه میلیون اسمش عایدات است و هر چه بر این بیست و دو میلیون بایست و سه میلیون علاوه بر اضافه عایدات است و اضافه عایدات غیر از این یک علامت و نشانی ندارد، پول است و حاضر است. حالا میخواهیم سرمایه بانک را تامین کنیم مطابق این قانون سرمایه بانک را تا حدود پنج میلیون از ودایع هر وقتی که خواستیم تامین میکنیم و این مبلغ هم ششصد هزار تومان که بیشتر نیست و صرفه جوئی اصلی شما گمان میکنید فقط همین ششصد هزار تومان است الان اگر شما بخواهید یک میلیون برای سرمایه بانک بدهید بنده حاضرم بدهم حاضر است و مربوط به لیره هم نیست، شما پنج میلیون تومان باید برای سرمایه بانک بدهید هر وقت که بانک تاسیس شد این مبلغ را از ودایع میدهیم و بعد اضافه عایدات را حساب میکنیم این ششصد هزار تومان را موضوع میکنیم هر قدر که شد دو میلیون شد، سه میلیون شد، کمتر یا بیشتر شد حساب میکنم و اضافه را هر چه قدر شد بات آن پنج میلیون به سرمایه ودایع مقروض شدیم از ۱۳۰۷ شروع میکنم به پرداختن آن پول...

مدرس - چرا مقروض میشویم؟

وزیر مالیه - چه فرق میکنند؟ پول خودمان است چه توی آن صندوق باشد و چه توی این صندوق فرق نمیکند پول خودتان است، پول دولت و پول این مملکت و

(عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد.

آقا سید یعقوب - يك تبصره بنده پیشنهاد کرده ام راجع به تمام است باید رأی داده شود و آنهم به نفع دولت است.

نایب رئیس - هیچ مانعی نیست تبصره در آخر ماده است باید به قسمت اول رأی گرفته شود جوی از آقایان پیشنهاد رأی مخفی کرده اند. قرائت میشود (بشرح آنی خوانده شد)

اعضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم که در مورد لایحه اعتبارات از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ رأی مخفی گرفته شود زعیم - بهار - حاج شیخ بیات - حاج میرزا مرتضی بامداد - بهبهانی - معتمد التولیه - فیروز آبادی محمد ابراهیم اهری - یعقوب الموسوی - حسن تقی زاده دکتر مصدق - شیخ الاسلام

عراقی - بازده نفر نشد امضاها دو مرتبه خوانده شود (بشرح ذیل خوانده شد)

زعیم - بهار - بیات - مرتضی - بامداد - بهبهانی - معتمد التولیه - فیروز آبادی - اهری - یعقوب الموسوی - حسن تقی زاده - دکتر مصدق - شیخ الاسلام - حسین زنجانی

بعضی از نمایندگان - این چهارده ناسند نکهبان (منشی) - یکی دیگر هم درست خوانده نمیشود گویا فوهی باشد

مدرس - اگر کم است من را بنویسید

روحی - فوهی حاضر نیست

نایب رئیس - گمان میکنم رأی گرفتن به یکی یکی از فقرات با مهره های مخفی طول پیدا کند.

رفیع - این لایحه لایحه بودجه است و بایستی در لایحه بودجه با ورفه رأی گرفته شود و بالاخره موافقین دولت معلوم شود بهبهانی - در باب نظامنامه که ما نباید بحث کنیم وقتی که بازده نفر امضاء کردند باید رأی مخفی گرفته شود ما

که نباید نظامنامه را تفسیر کنیم.

نایب رئیس - برای رفع شبهه از آقایان مواد خوانده میشود. ماده ۸۵

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸۵ - در موارد ذیل اخذ رأی علنی با اوراق حتمی است.

اولاً - بعد از اینکه دو دفعه بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوک باشد. ثانیاً - در تمام لوایح قانونی که تقاضای اجازه مخارج مینماید. ثالثاً - در لوایح قانونی که مالیات و عوارض برقرار میکند و یا لیت و عوارضیکه سابقاً برقرار بوده است تغییر میدهد.

بعضی از نمایندگان - ماده ۹۰ قرائت شود

(ماده نود نظامنامه بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۹۰ - در تمام مواقعی که اخذ رأی علنی با اوراق ممکن یا حتمی القبول است هرگاه بازده نفر از اعضاء کتباً تقاضا نمایند باید رأی مخفی گرفته شود عراقی - امضاها ۱۵ ناسند است آقای فوهی حاضر نیست.

نایب رئیس - بازده نفر امضا کرده اند. امضاها خوانده میشود

(اینطور خوانده شد)

حسن زعیم، بهار، حاج شیخ بیات، مرتضی، شیخ الاسلام، بامداد، بهبهانی، معتمد التولیه، فیروز آبادی، محمد ابراهیم اهری، حسین زنجانی، یعقوب الموسوی، حسن تقی زاده - دکتر محمد مصدق - فوهی.

عراقی - آقای فوهی حاضر نیستند. اگر بودند شاید امضاء خود را پس میگرفتند.

مدرس - من که امضاء کرده ام چرا نمیخوانید؟

نایب رئیس - حالا مطلب در این نیست، عده امضاها درست است و باید بموجب نظامنامه قطعاً رأی مخفی گرفته شود مطلب در این است که اگر رأی مخفی



نخواهیم به تمام فقرات بپذیریم بکساعت ، دو ساعت طول میکشد خوب است بماند برای جلسه آتی .

عراقی - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - بفرمائید .

عراقی - بنده تصور میکنم که در قسمت رأی مخفی البته مطابق ماده ۹۰ نظامنامه اشکالی نباشد ولی چیزی که هست این است که این لایحه است که دوک آورده دولت باید موافقین و مخالفین خودش را علناً بشناسد این بازده نفری که امضاء کرده اند مسلماً مخالف دولت هستند که نوشته اند ما رأی مخفی میخواهیم ولی موافقین دولت هم باید معلوم شود و رأی مخفی مانع است که موافقین و مخالفین دولت معلوم باشد .

نایب رئیس - نظامنامه برای اخذ رأی مخفی تصریح دارد .

وزیر مالیه - عرض کنم . البته این قضیه یکی از مسائل داخلی مجلس است و ماده نظامنامه هم يك حق است که هیچوجه من الوجوه بنده در این قسمت اظهار عقیده نمیکم فقط يك نکته را به آقایان و مخصوصاً به آقایانی که امضاء کرده اند میخواهم تذکراً عرض کنم که در مسائل اصولی خوب است همیشه رعایت حفظ مراتب بشود حقیقه باید رأی خصوصاً يك همچو آرائی که بشابه رأی اعتماد است . . . .

مدرس - این مقدمه رأی عدم اعتماد است .

وزیر مالیه - مکشوف باشد . بنده در خاطر دارم و میخواهم يك نکته را به آقای مدرس تذکر بدهم که در کابینه آقای مستوفی در يك موضوعی تقاضای رأی مخفی شده بود و آقای فروغی برخاستند و از امضاء کنندگان تقاضا کردند که از نقطه نظر حفظ اصول و حفظ مراتب موافقت بفرمایند که این سابقه گذاشته نشود و امضاء کنندگان خودشان به آن مقلب اقدام کردند و آن پیشنهاد رأی مخفی را پس گرفتند برای اینکه اصول محفوظ بماند حالا بنده هم در تعقیب همان سابقه این تقاضا را میکنم

ولی البته قبول وعدم آن بسته به میل خود آقایان است و اگر قبول هم نکنند حق قانونی خود آقایان است و بنده حرفی ندارم اما باید تصدیق بفرمائید که يك دولتی که با يك مجلس و با يك وکلای کار میکند بایستی در مسائل اساسی موافق و مخالف خودش را بشناسد و اگر غیر از این باشد اصل و اصول مشروطیت نیست .

مدرس - چشم بصبرت نیست و الا میشناختید همه مخالفند .

نایب رئیس - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند و مذاکره آقای وزیر مالیه در حکم يك نمنا و يك تقاضائی است و الا بنده تصور میکنم که در این موضوع ماده نظامنامه صریح است . پس باید شروع به اخذ رأی مخفی بشود .

آقا سید یعقوب - تبصره پیشنهادی بنده راجع به تمام ماده است باید خوانده شود . تبصره خوانده شود بعد رأی گرفته شود .

نایب رئیس - تبصره سرکار راجع به این است که دولت جمع و خرج این افلام را به مجلس بیسورد و آخر رأی میگیریم .

باسائلی - عده حضار را اعلام فرمائید که بعد اسباب شبهه نشود .

نایب رئیس - عده حضار ۹۴ نفر است رأی مخفی

گرفته میشود راجع به قسمت اول

( اخذ رأی شروع شد )

( همه نمایندگان - زنك رئیس )

نایب رئیس - ( خطاب به منشی ها ) رأی نگیرید آقایان در دادن رأی اشتباه کرده اند باید رأی را آنجا بیندازند و اشتباهاً در این طرف انداخته اند پس آراء اشتباه شده است

حاج شیخ بیات - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ بیات - ما امضاء کنندگانی که امضاء کردیم رأی مخفی گرفته شود از نقطه نظر این بود که رأی علنی نباشد ولی ما می بینیم که اینجا آقایان رأی را تقفیش میکنند از این نقطه نظر بنده به مقام محترم ریاست تذکر میدهم که بایستی مراقبت فرمایند که هیچ رأی خارج از توی جعبه ها ارائه داده نشود و در خارج از ظرف ها اگر مهره ارائه داده شود رأی مخفی نیست

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - اولاً غفلت شد که شخص آقای رئیس باید اعلان رأی بفرمابند و توجه بدهند که موافقین مهره سفید بدهند و مخالفین مهره سیاه بیندازند مسئله دوم حاج شیخ بیات فرمودند که آراء تقفیش میشود اینطور نیست ( نمایندگان - صحیح است ) رأی شما که کاملاً مسلم است و شما نمیتوانید این حرف را بزنید

نایب رئیس - رأی تجدید میشود و ماده نظامنامه هم قبلاً قرائت میشود که آقایان از ترتیب رأی دادن مسبوق شوند پیشنهادی از طرف آقای آقا سید یعقوب رسیده است قبلاً قرائت میشود

( بمضمون ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم که آقایان این اندازه بدانند که من با این دولت مخالفی ندارم ولی با این لایحه مخالفم چنانچه در لوابخ دیگر دولت رأی دادم و حتی دفاع هم میکردم ولی فعلاً تصدیق میکنید که همه ماها دو سال است با یکدیگر برادرانه کار کرده ایم و اقلیت و اکثریتی نبوده است ولی امروز بواسطه يك محبتهایی که در بین آمده خدای نخواستہ شاید يك کدورتی در بین بیاید پس بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و يك پیشنهاد دیگر هم کرده ام که همین جلسه عصر تشکیل شود و تکلیف آراء معلوم شود ، آآن هم مدتی از ظهر

گذشته است و يك نشست خیالی در آقایان پیدا شده و نمیشود حالا رأی گرفت شما هم الحمد لله اکثریتید دست قری دارید و بعضی از اشخاص دیگر هم دارید که می توانید خبر کنید علیهذا بنده تقاضا کردم که جلسه ختم شود و آقایان میل دارند جلسه عصر تشکیل شود و اگر میل ندارند جلسه یکشنبه تشکیل گردد برای اینکه حقیقه مجلس از حال انتظام خارج شده است و اگر جلسه ختم شود مجلس دوباره بحال انتظام می آید ، مذاکرات هم کافی شده است و موقع رأی رسیده است ، رأی هم داده میشود بنده از این جهت پیشنهاد ختم جلسه کردم حالا مختارید

نایب رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده تصور میکنم که در حین جریان رأی آقایان حق محبت ندارند و پیشنهاد نمیتوانند بکنند ، پس این پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب موردی نداشت .

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای

آقا سید یعقوب برای ختم جلسه ، آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند .

( عده کمی برخاستند )

نایب رئیس - تصویب نشد ماده نظامنامه خوانده می شود . . . .

ارباب کیخسرو - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - راجع به ماده نظامنامه فرمایشی دارید ؟

ارباب کیخسرو - خیر . راجع به رأی

نایب رئیس - بفرمائید .

ارباب کیخسرو - عرض کنم يك عده مهره ها خدمت آقایان است و يك عده داده اند و تکلیف این مهره ها معلوم نیست مهره های سابق را بفرمائید جمع کنند خطیبی - بنده عقیده ام این است که آقا سید محمود این مهره هارا ببرد بیرون شماره کند

نایب رئیس - همین جا شماره میکنند برای اطلاع

جاسه مهره ها را هم تفتیش کنند و روز شنبه هم میائیم  
مجلس ...

بعضی از نمایندگان - روز یکشنبه

امیر حسین خان - بلی یکشنبه میائیم و با کمال انتظام  
و خوب رأی میدهیم و این ترتیب بعقیده بنده صحیح نیست  
و پیشنهاد کردم جلسه ختم شود

نایب رئیس - قبل از آنکه رأی گرفته شود باید  
عرض کنم که شمردن مهره ها فعلا اشکال دارد اگر آقایان  
صلاح بدانند و مخالفی نیست جلسه ختم شود  
جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - جلسه ختم میشود

بعضی از نمایندگان - استقراع

نایب رئیس - روز شنبه عید است و مجلس تعطیل  
است، برای شرفیابی حضور اعلی حضرت یکمده بایستی به  
قرعه انتخاب شوند و جلسه روز یکشنبه است و دستور هم  
دستور امروز است. نه نفر بقرعه معین میشوند  
(اقتراع بعمل آمده آقایان ذیل معین شدند)

نوبخت، بهار، زعیم، کی استوان، لبقوانی، عصرانقلاب  
حاج آقا رضا رفیع، میرزا صادق خان خواجوی، محمد  
هاشم میرزا افسر.

(مجلس یکساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

خاطر آقایان ماده نظامنامه خوانده میشود که کجا  
باید مهره ها انداخته شود.

اریاب کیخسرو - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید.

اریاب کیخسرو - قبل از آنکه موقع رای گرفتن بشود  
این مهره ها را باید بشمارند برای اینکه معلوم شود که  
۹۴ مهره گرفته شده است یا نه

نایب رئیس - میگویند مهره ها شماره نداشته  
است و شماره اش ممکن نمیشود

(همه نمایندگان - صدای زنگ)

نایب رئیس - آقای امیر حسین خان پیشنهاد ختم

جلسه کرده اند آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان (ایلیخان) - عرض کنم که بنده  
عقیده دارم و خیلی متأسفم که مجلس دارد از حال  
انتظام خارج میشود و مهره هائی هم که داده اند باید  
شماره شود و این کار وقت زیادی لازم دارد  
و بعلاوه اگر ما اینجا بنشینیم و یک نفر پیشخدمت بیاید  
و مهره ها را بشمارد این کار برای عظمت مجلس خوب  
نیست. بنده عقیده دارم که مجلس را ختم کنیم و در غیاب